

# جرعه‌ای از نور

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## امام مهدی 4 در قرآن<sup>۱</sup>

### ضرورت شناخت ولی خداوند

دوران غیبت، دوران یتیمی، حیرت و سرگردانی است؛<sup>۲</sup> دورانی که خطر ارتداد و ربوده شدن دین و اعتقاد<sup>۳</sup>، همه را تهدید می‌کند. چگونه می‌توان از این آسیب‌ها رهایی یافت؟ از امام سجاده علیه السلام روایت شده است:

... و در دوره دیگر غیبت (کبری)، بیشتر کسانی که معتقد به حضرت قائم هستند، از این امر (اعتقاد به ولایت و امامت حضرت) دست برمی‌دارند؛ پس احدی (در دوران غیبت) ثابت‌قدم نمی‌ماند، مگر کسی که یقینش قوی و شناختش (درباره ولایت و امامت حضرت قائم) صحیح باشد و درباره آنچه ما حکم می‌کنیم، ناراحتی نداشته باشد و تسلیم و فرمان‌بردار ما اهل بیت باشد.<sup>۴</sup>

به راستی، چگونه می‌توان به چنین سرمایه ارزشمندی دست یافت و صاحب یقینی قوی و شناختی صحیح شد؟

با بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نزول وحی، مجدداً راهی به سوی شناخت وحیانی حقایق گشوده شد. خداوند متعال می‌فرماید:

همان گونه که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را [از پلیدی جهل و شرک] پاک می‌سازد و کتاب و فرزاندی و آنچه هرگز نمی‌توانستید بدانید، به شما می‌آموزد.<sup>۵</sup>

موضوع آینده بشریت، مسئله‌ای است که از دیرزمان، ذهن بشر را به خود مشغول کرده است؛ به ویژه این که وضعیت فعلی جهان و ظلم فراگیر، آینده را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است و کارشناسان، نظریه‌های متفاوت و ناامیدکننده‌ای ارائه می‌کنند؛ اما قرآن کریم با قاطعیت، از آینده‌ای سرسبز و درخشان خبر می‌دهد که صلح و صفا جای ستیزه‌جویی و عدالت جای ظلم و تباهی را می‌گیرد و از جامعه واحد جهانی گزارش می‌دهد که همه زیر لوای توحید و عبودیت خالصانه جمع خواهند شد و عدالت فراگیر و همه‌جانبه، عالم را حیات واقعی خواهد بخشید.

<sup>۱</sup> برگرفته از کتب "پرتوی از آیات مهدویت" حجت الاسلام محسن قرائتی، "تفسیر آیات مهدویت" حجت الاسلام مجتبی

کلباسی، "قافله سالار" و "سیمای ماه دوازدهم در سی جزء قرآن" حجت الاسلام محمود ابادری  
<sup>۲</sup> امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوار خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «سخت‌تر از یتیمی یتیمی که پدر خود را از دست داده است، یتیمی یتیمی است که از امام خود جدا شده است و دسترسی به او ندارد.» بحار/الانوار، ج ۲، ص ۲.  
<sup>۳</sup> امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «برای او (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی است که اقوامی در این دوران (از دین) برمی‌گردند»؛  
کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳.

<sup>۴</sup> عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: «...وَأَمَّا الْآخِرَى فَيَطُولُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجاً مِمَّا قَصَبْنَا وَ سَلَّمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۱، ح

برای شناخت هر چه بهتر این حقیقت، به بررسی آیاتی که ناظر به این موضوع است، می‌پردازیم. البته پیش از آن لازم است مباحثی مطرح گردد.

## بهترین مرجع شناخت حجت خداوند

قرآن، معجزه جاویدان، نسخه شفا، نقشه راه چگونه بودن و زیستن، نامه بشارت و رحمت، روشنگر هر حقیقت با جامعیتی بی‌نظیر، حقی که باطل در آن راه ندارد و مورد اتفاق تمام فرق مسلمان است.<sup>۱</sup> کتابی است که هرگز نظیری به خود ندیده و نخواهد دید؛ از این رو، چنین کتابی، بهترین و مطمئن‌ترین مرجع شناخت حجت خداوند متعال به شمار می‌آید.

حضرت محمد ﷺ، خاتم رسولان و دین اسلام، آخرین و کامل‌ترین دین است؛ بنابراین، معجزه او هم بر همین اساس، متفاوت و ابدی است و در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، با آوردن کتابی همانند قرآن یا ده سوره مثل آن یا سوره‌ای همانند آن و یا سخنی هم‌سنگ این کلام،<sup>۲</sup> به مبارزه دعوت کرده است که اصطلاحاً آن را «تحدی» می‌گویند.

هم‌چنان که بعد از گذشت صدها سال، با وجود تلاش‌های فراوان، هرگز کسی نتوانسته حتی جمله‌ای همانند قرآن بیاورد.<sup>۳</sup>

## جامعیت قرآن

قرآن مجید این گونه خود را معرفی می‌کند:

و قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان هر امر و هدایت و رحمت و بشارت برای افرادی که [در قبال خدا] تسلیم‌اند، می‌باشد.<sup>۴</sup>

بنابراین، تعبیر «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» به معنای این است که قرآن در نهایت روشنگری برای هر چیزی است؛ به عبارت دیگر، قرآن خورشید فروزانی است که جهل و تاریکی را زدوده و همه حقایق را روشن می‌کند.

علامه طباطبائی رحمته الله می‌نویسد:

۱. رک: نحل، آیات ۶۴ و ۸۹؛ یونس، آیه ۵۷؛ اسراء، آیه ۸۲ به بعد؛ فصلت، آیه ۴۲ به بعد و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۰، مقدمه دوم.

۲. اسراء، آیه ۸۸؛ هود، آیات ۱۳ و ۱۴؛ بقره، آیات ۲۳ و ۲۴؛ یونس، آیه ۳۸ و طور، آیه ۳۴.

۳. برای نمونه، به ماجرای که در کتاب/احتجاج طبرسی درباره تلاش یک‌ساله ابوشاکر دیصانی و یاران زندیقش در نقض قرآن و آوردن کلامی همتای آن آمده و اقرار آنان به این که این کلام از جنس کلام بشر نیست، مراجعه کنید. احتجاج، ج ۲، ص ۳۷۷، بخش احتجاج امام صادق علیه السلام.

۴. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» نحل، آیه ۸۹.

بر اساس روایاتی که در مورد ویژگی قرآن وارد شده است - که می‌فرماید: قرآن، علم مربوط به گذشته، حال و هر آنچه تا روز قیامت است را در بر دارد<sup>۱</sup> - به نظر می‌رسد، تبیان بودن قرآن، اعم از دلالت لفظی است و اشارات قرآنی را نیز که فراتر از دلالت لفظی است، در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> مؤید این سخن، بیان نورانی امام حسین علیه السلام است که می‌فرماید:

کتاب خداوند بر چهار چیز است: عبارت، اشاره، لطایف و حقایق. اما عبارت برای عموم مردم، اشاره برای خواص، لطایف برای اولیا و حقایق برای انبیاست.<sup>۳</sup>

در آیه‌ای دیگر، تأکید بیشتری بر جامعیت قرآن شده است: «ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم.»<sup>۴</sup>

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز روایت شده:

هان! من در میان شما کتاب خداوند را به جای می‌گذارم که در آن، نور، هدایت و بیان است و خداوند هیچ چیزی را در آن فروگذار نکرده است.<sup>۵</sup>

## ظهر و بطن قرآن

جامعیتی که از آن سخن به میان آمد در پرتو ظاهر و باطن قرآن است؛ از این‌رو، برای دست یافتن به شناختی عمیق و دقیق از طریق قرآن باید هر دو عرصه را مد نظر داشته باشیم؛ به ویژه این که بخش عظیمی از معارف مهدویت، در بطن قرآن مطرح شده است.

فریقین از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند:

ما من القرآن آیه إلا و لها ظهر و بطن؛<sup>۶</sup>

هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر این که ظاهری دارد و باطنی.

علم تفسیر، ناظر به ظاهر و علم تأویل، ناظر به باطن آیات است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۶۱ کتاب فضل العلم، باب الردّ الی الکتاب و السنّه، ح ۸ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۰ و ۴۱، مقدمه دوم و

ششم.

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۵.

۳. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا (در برخی از منابع این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. شاید دلیل آن اشتراک کنیه «اباعبدالله» برای هر دو امام باشد): «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلنَّبِيِّينَ». بحار/الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰.

۴. «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»؛ انعام، آیه ۳۸.

۵. «أَلَا قَدْ خَلَقْتَ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ النُّورُ وَ الْهُدَى وَ الْبَيَانُ مَا فَرَطَ اللَّهُ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ حُجَّةُ اللَّهِ لِي عَلَيْكُمْ»؛ بحار/الانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۶، باب وصيته صلی الله علیه و آله عند قرب وفاته.

۶. از منابع شیعه: بصائر الدرجات، ص ۲۱۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱، مقدمه مؤلف؛ سید حسن میر جهانی، مصباح البلاغه، ج ۴، ص ۲۴۰. و از منابع اهل سنت: کنز العمال، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۲۴۶۱.

## تفسیر آیات مهدویت

### یک . ایمان به حجت غایب و قطعیت ظهور

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۱</sup>

راوی می گوید: از امام صادق درباره آیه ﴿الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ سؤال کردم، ایشان فرمودند: پرهیزگاران، پیروان حضرت علی هستند و (مراد از) «غیب»، حجت غائب است و شاهد آن قول خداوند است که می فرماید: «بگو: غیب تنها برای خدا است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم!»<sup>۲</sup>

در روایت دیگری از ایشان آمده است: «ایمان به غیب، یعنی اقرار به قیام قائم که حق است»<sup>۳</sup>.

### نکته‌ها

**الف)** ایمان به غیب، مانند آستانه و درگاهی است که با ورود به آن، انسان از مرتبه حیوانی که به درک محسوسات محدود می شود، بیرون می آید و به مرتبه والای انسانیت وارد می شود و درمی یابد که وجود بزرگتر و فراگیرتر از دایره محسوسات است.<sup>۴</sup>

۱. بقره (۲)، ۳ و ۲.

۲. «عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ فَقَالَ الْمُتَّقُونَ شَيْعَةُ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ، وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» (بونس (۱۰)، ۲۰: شیخ صدوق، کمال‌الدین وتمام‌النعمة، ج ۲، باب ۱ (۳۳)، ص ۳۴۰، ح ۲۰).

۳. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» قَالَ: مَنْ أَقْرَبَ بَقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ»؛ (همان، ح ۱۹).

۴. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

ب) بر اساس روایات، یکی از مهم‌ترین مصداق‌های «غیب»، ایمان به «حجّت غایب» و یقین به «ظهور» اوست.

ج) از مهم‌ترین آسیب‌ها و خطراتی که منتظران را در دوران غیبت تهدید می‌کند، شک و تردید درباره وجود و ظهور امام زمان علیه السلام است که ممکن است از دو موضوع سرچشمه گرفته باشد:

۱. طولانی شدن غیب؛ ۲. شبهه‌افکنی دشمنان.

## دو . کابینه دولت موعود

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «کسانی که از بسترشان ناپدید می‌شوند، ۳۱۳ مرد به تعداد اهل (جنگ) بدر هستند. پس در مکه حاضر خواهند شد و این قول خداوند است که می‌فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا...» و آنان اصحاب حضرت قائم هستند»<sup>۲</sup>.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «قطعاً این آیه درباره ناپدیدشدگان از اصحاب قائم نازل شده است که می‌فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ...» همانا آنها شبانه از بسترهایشان ناپدید می‌شوند و صبح در مکه خواهند بود و بعضی از آنان در ابرها حرکت می‌کنند و با اسمش و اسم پدرش و ویژگی و نسبش شناخته می‌شوند. مفضل می‌گوید: به حضرت عرض کردم: فدایتان شوم کدامشان از نظر ایمان با عظمت‌تر هستند؟ امام علیه السلام فرمود: آنکه روز در ابرها حرکت می‌کند»<sup>۳</sup>.

## نکته‌ها

الف) آنچه از روایات متعدد در این باره به دست می‌آید، این است که این افراد که به تعداد اهل بدر هستند، از یاران ویژه و فرماندهان ارشد سپاه حضرت هستند

۱. بقره (۲)، ۱۴۸.

۲. «عَنْ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: الْمَقْفُودُونَ عَنْ فَرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا وَ هُمُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۴، باب ۵۷ ما روی فی علامات...، ح ۲۱).

۳. «عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُتَّقِدِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فَرُشِهِمْ لَيْلًا فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ بَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ حَلِيَّتِهِ وَ نَسَبِهِ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا»؛ (همان، ص ۶۷۳، باب ۵۸ فی نوادر الكتاب، ح ۲۴).

ب) درباره این مسأله که آیا همه آنان تا زمان ظهور زنده هستند یا اینکه افرادی از آنان که از دنیا رفته‌اند و با ظهور حضرت، رجعت خواهند نمود، بیان صریحی دیده نشده؛ اما از ظاهر روایات،<sup>۱</sup> چنین به دست می‌آید که برخی از آنها از دنیا رفته‌اند و با ظهور حضرت به اذن الهی رجعت خواهند نمود. افزون بر اینکه هیچ دلیلی نیز بر عمر طولانی این افراد نداریم.

ج) بنابر برخی روایات در میان آنان پنجاه زن وجود دارد؛ اکنون دو سؤال مطرح می‌شود که:

۱. آیا این زنان، جزء ۳۱۳ نفر هستند؟

۲. نقش آنها چیست؟ آیا آنها نیز همانند مردان، فرماندهی و مدیریت امور را در دست

خواهند داشت؟

در پاسخ سؤال اول باید گفت: تعبیر روایت این است که «فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً» در بین آنان پنجاه زن هستند، نفرمود: «منهم خمسون امرأة» از آنها پنجاه زن هستند تا دلالت کند که بخشی از ۳۱۳ نفر زن هستند.

و اما درباره سؤال دوم باید گفت در یک قیام و انقلاب جهانی، مأموریت‌هایی یافت می‌شود که لازم است زنان آن را بر عهده بگیرند، مانند: آنچه در گذشته اتفاق افتاده است؛ مثل مأموریت حساس انتقال عایشه از کوفه به مدینه که به وسیله بیست نفر از زنان انجام شد.<sup>۲</sup> بنابر روایات، این زنان به مداوای مجروحان و پرستاری بیماران می‌پردازند، همان‌گونه که در صدر اسلام در برخی از جنگ‌ها، مثل جنگ احد همراه رسول خدا به این امور می‌پرداختند.<sup>۳</sup>

د) یاران حضرت، به این تعداد پایان نمی‌یابد، بلکه حلقه بعدی، ده هزار نفر می‌باشند که با کامل شدن این عده، ایشان از مکه خارج خواهند شد،<sup>۴</sup> سپس بر تعداد یارانش افزوده خواهد شد.

## سه . سنت ابتلاء و آزمایش

۱. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۶، فصل سیره الامام المهدي (عج).

۲. وقعه الجمل، ص ۱۴۹.

۳. «عَنِ الْمُقْضَلِ بْنِ عَمْرِو، قَالَ: سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللهِ يَقُولُ: يُكْرَمُ مَعَ الْقَائِمِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً قُلْتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يَدَاوِينُ الْجَرْحَى، وَ يَقْمِنُ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ»؛ (دلایل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۴۷۹ / ۸۳).

۴. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: الْقَائِمُ مِمَّنْ مَنصُورٌ بِالرُّعْبِ...فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ...»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).



﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید:

همانا در پیش روی حضرت قائم، برای مؤمنین از سوی خداوند نشانه‌هایی خواهد بود. محمد بن مسلم عرض کرد: فدای شما شوم. آن نشانه‌ها چیست؟

فرمودند: آن قول خداوند است که فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ» یعنی پیش از قیام حضرت قائم شما مؤمنین را خواهیم آزمود «بشئء من الخوف والجوع ونقص من الأموال والأنفس والثمرات وبشر الصابرين؛ آنان را به چیزی از ترس از سوی پادشاهان از فرزندان فلان در آخر حکومتشان و گرسنگی با بالا رفتن قیمت‌ها (تورم) «و نقص من الأموال» و کساد شدن تجارت و کمی سود و از دست دادن جان‌ها یعنی مرگی سریع و فراگیر (به گونه‌ای که مردم از دفنشان عاجز مانند) و نقصی در میوه‌ها یعنی کاهش برداشت محصول آزمایش می کند، «و بشر الصابرين» در این هنگام صبرکنندگان را به تعجیل قیام حضرت قائم بشارت دهید.

سپس حضرت فرمودند: «ای محمد! این تأویل آیه است و خداوند می فرماید: «وَمَا يَغْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ در حالی که تف‌سیر آن‌ها را جز خدا و را سخنان در علم نمی دانند.»<sup>۲</sup>

## نکته‌ها

**الف)** در بسیاری از روایات برای ظهور حضرت مهدی (عج)، نشانه‌هایی بیان شده است<sup>۳</sup> که می توان آن‌ها را به نشانه‌های دور و نزدیک، طبیعی و غیر طبیعی، حتمی و غیر حتمی تقسیم نمود.

**ب)** کارکرد این علائم و سر بیان آن‌ها از سوی امامان معصوم (علیهم السلام) را می توان این چنین خلاصه کرد:

۱. راهی برای تشخیص مدعیان دروغین.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بقره (۲)، ۱۵۵ تا ۱۵۷.

<sup>۲</sup> «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ. قُلْتُ: وَمَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. قَالَ: يَبْلُوهُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ مِنْ مَلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ. وَالْجُوعُ بَعَاءُ أَسْعَارِهِمْ. وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ؛ قَالَ: كَسَادُ التِّجَارَاتِ وَفَلَةُ الْفُضْلِ. وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَنْفُسِ؛ قَالَ: مَوْتُ ذَرِيعٍ. وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ؛ قَالَ: قَلَّةُ رِبْعٍ مَا يُزْرَعُ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا تَأْوِيلُهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ (كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، باب ۵۷، ح ۳).

<sup>۳</sup> نعمانی، الغيبة، باب ۱۴ و ۱۸.

<sup>۴</sup> «وَسَيَأْتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصِّحْحَةَ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ؛ (كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۴).

۲. فراموش نشدن امام و ادامه زمینه‌سازی ظهور.

۳. تقویت امید و رهایی از ناامیدی.<sup>۱</sup>

۴. تشخیص قیام‌های باطل از قیام‌های حق.<sup>۲</sup>

ج) از سوی خداوند به کسانی که بر سختی‌های دوران غیبت صبر می‌کنند، مژده داده شده که «عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ مَنْ رَبَّهُمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أَوْلَاكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» و اینان کسانی هستند که شایستگی یاری امام را خواهند داشت.

### چهار . مرزبانی از حق بویژه امامت و مهدویت

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>۳</sup>.

داوود رقی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: معنای سلام بر رسول خدا چیست؟ حضرت فرمود:

آن‌گاه که خداوند متعال رسولش و جانشین رسولش و دخترش و دو فرزندش و همه ائمه و پیروانشان را آفرید، از آنان پیمان گرفت «أَنْ يَصْبِرُوا وَ يَصَابِرُوا وَ يَرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ» و به آنان وعده داد که زمین را تسلیم آنان گرداند... «سلام» بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یادآور آن پیمان و آن وعده است، به امید آنکه در این وعده شتاب شود.<sup>۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) هم چنین می‌فرماید:

«يَصْبِرُوا» یعنی بر آنچه در ماست (ولایت)، پایدار باشید، «يَصَابِرُوا» با یکدیگر در رویارویی علیه دشمن با ولایتان پایدار بمانید، «يَرَابِطُوا» بر ثبات قدم و ماندنتان با امام محافظت نمایید.<sup>۵</sup>

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) نیز آمده است:

۱. «عَنِ الصَّادِقِ أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ سَخَّلُوا كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْزُرُ] عَنْهَا الْعِلْمَ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْزُرُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلِدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمَخْدَرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحَجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَلْغُ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ وَ يَسِيرُ سَبِيلاً لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنْكَارِهِمْ حُجَّةً»؛ (بحار، ج ۵۷، ص ۲۱۳، باب ۳۶ الممدوح من البلدان، ح ۲۳).

۲. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ زَيْدٍ كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صَدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مَجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ..»؛ (كافي، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۱).

۳. آل عمران (۳)، ۲۰۰.

۴. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَتَهُ وَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَلَقَ شِعْبَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ أَنْ يَصْبِرُوا وَ يَصَابِرُوا وَ يَرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ ... وَ إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذَكُّرَةٌ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِيدٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يَعْجَلَهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ يَعْجَلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ»؛ (كافي، ج ۱، ص ۴۵۱، كتاب الحججة، ابواب التاريخ، باب مولد النبي، ح ۳۹).

۵. «عَنِ الصَّادِقِ: «اصْبِرُوا» عَلَى الَّذِي فِينَا، قُلْتُ: «وَ صَابِرُوا» قَالَ: «عَدُوِّكُمْ مَعَ وَلِيِّكُمْ» (وَ رَابِطُوا قَالَ: الْمَقَامُ مَعَ إِمَامِكُمْ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» قُلْتُ، تَنْزِيلًا! قَالَ: نَعَمْ»؛ (نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۲۶).

«اَصْبِرُوا» بر واجبات پایدار باشید، «وَصَابِرُوا» با همدیگر در برابر دشمن استقامت بورزید، «وَرَابِطُوا» با امام منتظران، ملازمت و همراهی داشته باشید.<sup>۱</sup>  
نکته ها:

**الف)** یک انسان هم تکالیف و مسؤولیت‌های فردی دارد: «اَصْبِرُوا» و هم تکالیف و مسؤولیت‌های اجتماعی: «وَصَابِرُوا وَ رَابِطُوا».

**ب)** امروز دشمن با تمام وجود به مبارزه با حق به‌ویژه ولایت، امامت و مهدویت پرداخته است و منتظران باید با بصیرت تمام و تلاش ادامه‌دار و تقویت معرفت و شناخت درباره امام، مرزبانی خود را از مرزهای اعتقادی به‌ویژه امامت و مهدویت به خوبی انجام دهند.

### پنج . یارانی بی نظیر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>.

امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

همانا صاحب این امر، یارانش برایش حفظ شده‌اند اگر همه مردم (از دین خدا) بروند، خداوند یارانش را برایش خواهد آورد و آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند در و صفشان می‌فرماید: «و اگر اینان نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسانی دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.» (یعنی تعبیر «قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» در و صف یاران صاحب این امر است) و آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند می‌فرماید: «خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.»<sup>۳</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که این آیه درباره حضرت قائم و اصحابش نازل شده است.<sup>۴</sup>

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - اَصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ اَصْبِرُوا عَلَى اَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا اِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۹، باب ۱۱، ح ۱۳).

۱. مانده (۵)، ۵۴.

۲. «عن سليمان بن هارون العجلي، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: «إن صاحب هذا الأمر محفوظ له [أصحابه]، لو ذهب الناس جميعاً أتى الله [له] بأصحابه، و هم الذين قال الله عز و جل: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ و هم الذين قال الله عز و جل فيهم: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ (البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۳۱۴، ذیل آیه).

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱.

## نکته‌ها

**الف)** مهم‌ترین دغدغه مؤمن، ثبات قدم بر راه حق و حسن عاقبت است: **«مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ»**.

در روایت‌های بسیاری از جمله در باب ۱۷ و باب ۲۱ کتاب *الغیبه* مرحوم نعمانی هشدارهای لازم در این باره آمده است، برای نمونه در حدیث اول باب ۲۱ این کتاب امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام می‌کند، کسی که به نظر خویش از اهل این کار بود، از امر حضرت قائم بیرون می‌رود».<sup>۴</sup> پس بسیار شایسته و بایسته است که منتظران حضرتش پیوسته بر این دعای قرآنی مداومت داشته باشند: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ<sup>۵</sup>

**ب)** در راه زندگی انواع آسیب‌ها، دین و ایمان انسان را تهدید می‌کند؛ از جمله:

- مدعیان دورغین؛
- جابه‌جایی حب و بغض‌ها و دشمنی با دوستان و دوستی با دشمنان حق؛
- تعلقات دنیا و بازماندن از یاری حق با جان و مال؛
- سعی در جلب رضایت دیگران به جای جلب رضایت خداوند و...

**ج)** ویژگی یاران امام زمان (علیه السلام):

- عشق به خدا (يُحِبُّونَهُ)؛
- تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی و خشونت در برابر دشمنان خدا (أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)؛

- اهل جهاد در راه خدا (يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)؛

- ثابت قدمی در راه حق و توجه نکردن به سرزنش سرزنش‌کنندگان (وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ).

**د)** دین خدا به یاری ما نیازی ندارد، بلکه توفیق یاری دین خدا از بزرگترین توفیقات و نعمت‌های الهی است که باید مراقب باشیم شایستگی آن را از دست ندهیم: **«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»**

<sup>۴</sup>. یوسف (۱۲)، ۱۰۱؛ روم (۳۵)، ۱۰.

<sup>۵</sup>. نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۱۷.

<sup>۶</sup>. آل عمران (۳)، ۸.

## شش . ضرب الاجل توبه و جبران آنچه از دست رفته

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مَنَّظِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید:

مراد از آیات، ائمه و منظور از آیتی که مورد انتظار است، حضرت قائم می باشد. پس آن روز کسی که پیش از قیام حضرت ایمان نیاورده باشد، ایمان آوردن او دیگر سودی ندارد؛ هرچند به امامان دیگر از اجداد حضرت ایمان آورده باشد.<sup>۲</sup>

## نکته ها

**(الف)** فرصت توبه و جبران گذشته همیشگی نیست؛ باید فرصت را غنیمت شمرد و پیش از آنکه دیر شود، بازگشت.<sup>۳</sup>

**(ب)** امام زمان (علیه السلام) برای هدایت، سعادت و نجات همه بشریت می آید، حتی هدایت مستکبران! آری، او همانند حضرت موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) با معاندان و ظالمان، اتمام حجت می کند و ضرب الاجل قرار می دهد و آنگاه که به فرمان الهی دست به شمشیر ببرد، دیگر ایمان معاندان سودی نخواهد داشت. همانند فرعون، هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت!<sup>۴</sup>

**(ج)** افرادی از پیشوایان کفر و ظالمان امت های گذشته، برای روشن شدن حق و عبرت دیگران، رجعت داده می شوند در حالی که ایمان آوردن آن ها سودی به حالشان نخواهد داشت؛ زیرا در حال حیات، ایمان نیاوردند و فرصت را از دست دادند<sup>۵</sup>

۱. انعام (۶)، ۱۵۸.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ: الْآيَاتُ هُمُ الْإِيمَانُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آيَاتِهِ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۶، باب ۳۳، ح ۸).

۳. «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ»؛ (سجده (۳۲)، ۲۹؛ نساء (۴)، ۱۸).

۴. یونس (۱۵)، ۹۰ و ۹۱.

۵. «وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»؛ (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴).

## هفت . اسلام دین واحد جهانی خواهد شد

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.

امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «خداوند، هنگام قیام حضرت قائم دین حق را بر همه دین ها غالب می گرداند».<sup>۲</sup>

از امام حسین (علیه السلام) نیز در این باره نقل شده است:

از ما (اهل بیت) دوازده مهدی خواهد بود، اولین آنان امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و آخرین آنان نهمین فرزندم می باشد. او امامی است که حق را به پای می دارد، خداوند به واسطه او زمین را پس از مردنش زنده می گرداند و دین حق را به دست او بر همه دین ها غالب می گرداند، گرچه مشرکان از آن ناخشنود باشند. برای او غیبتی است که برخی در این زمان از دین بر می گردند و برخی بر دین ثابت قدم می مانند، پس مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و به آن ها گفته می شود: اگر راست می گویند این وعده کی محقق می شود، بدانید کسی که در این دوران بر اذیت ها و تکذیب ها صبر کند، همانند رزمنده در راه خدا در رکاب رسول خداست.<sup>۳</sup>

## نکته ها

**الف)** دشمنان حق، پیوسته در پی از بین بردن حق تلاش و کوشش می کنند: (بُرِيدُونَ...).

**ب)** از شیوه های مهم تلاش دشمن در جهت نابودی حق، شیوه جنگ نرم و تمسک به نیرنگ و فریب و دَجَل و دروغ است. او دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱. باطل جلوه دادن حق

آن چنان که علمای دنیازده یهود در برابر بعثت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) همین راه را پیمودند.<sup>۴</sup>

۲. باطل (خود) را حق جلوه دادن<sup>۵</sup>

۱. توبه (۹)، ۳۲ و ۳۳؛ فتح (۴۸)، ۲۸؛ صف (۶۱)، ۸ و ۹.

۲. «عن مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي قَالَ... قُلْتُ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۴۳۲، کتاب الحجّة، باب فيه نکت، ح (۹۱).

۳. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: مِمَّا أَتَانَا عَشْرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ بَرْتَدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثُبُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَدْيِ وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ: «إِكْمَالُ الدِّينِ وَ تَمَامُ النِّعْمَةِ»، ج ۱، ص ۳۱۷، باب ۳۰، ح (۳).

۴. «و لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (بقره (۲)، ۴۲).

۵. «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تُبَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُرْتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤَخَذُ مِنْ هَذَا صِفَتْ وَ مِنْ هَذَا صِفَتْ فَيَمْرُجَانِ فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى»؛ (نهج البلاغه، خطبه (۵۰).

ج) در برابر اراده دشمن، خدا اراده کرده است تا این نوری را که دشمنان در پی خاموش کردن آن هستند تا به آخر برسانند «وَيَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup>. و اما بخش اول آیه ۳۳، به «بعثت» ختمی مرتبت (أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ) و بخش دوم به «ظهور» ناظر است: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ).

د) بر اساس سنت الهی، مردم در بعثت و ارسال رسول نقشی ندارند، چه بخواهند و چه نخواهند؛ اما درباره ظهور، سنت الهی متفاوت است، زیرا که در برنامه اقامه قسط، سنت «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۲</sup> حاکم است و إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.<sup>۲</sup>

ه) با این آیه می‌توان درباره وجود این موعود و به عبارت دیگر بر «موعود موجود» نیز استدلال کرد.

از کسانی که به وجود ایشان باور ندارند، می‌پرسیم حضرت مهدی که به اعتقاد شما هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می‌آید و در وقت مقرر، ظهور می‌کند این «دین حق» را از کجا به دست می‌آورد؟! زیرا برای تحقق عدالت جهانی قطعاً لازم است همان دین جامعی که بر رسول نازل شده است را باید عیناً بدون کاستی در دست داشته باشد.

اگر بخواهد آن را از خداوند بگیرد لازمه آن نقض ختم نبوت است و اگر بخواهد آن را از امت اسلام بگیرد، کدام قرائت از اسلام را از چه مذهبی بگیرد؟! چه کسی می‌تواند ادعا کند که تمام دین، ظاهر و باطن آن و احکام الله واقعی در همه موضوعات نزد اوست؟!

یگانه مذهبی که برای این سؤال، پاسخ قاطع و مناسب دارد، شیعه امامیه است که در پرتوی عقیده لزوم وجود «حجت حی» در هر زمان و به عبارت دیگر خالی نبودن زمین از حجت تا دامنۀ قیامت، پاسخ کامل به این سؤال داده است و معتقد است هر آنچه بر رسول خدا ﷺ نازل شده است، به حکم الهی از وصی به وصی دیگر به ارث رسیده و هم اکنون نزد آخرین وصی و جانشین ایشان خاتم او صیاء بقیۀ الله الاعظم ﷺ می‌باشد و یکی از آثار و برکات وجودی امام، حفظ این علوم و اسرار الهی است تا پس از ظهور در اختیار بشریت قرار گیرد.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

(مردم) آب کم را می‌مکند و رود خروشان را رها کرده‌اند. پرسیدند: رود خروشان چیست؟ امام فرمود: «رسول خدا و علمی که خدای بزرگ به او عطا نمود، خداوند متعال همه سنت‌های پیامبران را از حضرت آدم تا خود حضرت محمد ﷺ برای ایشان جمع کرد». پرسیدند: این

۱. حدید(۵۷)، ۲۵.

۲. (رعد(۱۳)، ۱۱).

سنت‌ها چیست؟ امام فرمود: «همه علم پیامبران و رسول خدا همه این علوم را به حضرت علی منتقل نمود.<sup>۱</sup>»

## هشت . سلام بر بقیة الله

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) درباره چگونگی سلام به امام مهدی (علیه السلام) می‌فرماید: اینگونه سلام می‌دهند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» سپس این آیه را تلاوت نمودند.<sup>۳</sup>

امام باقر (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

...پس هنگامی که ظهور نماید به کعبه تکیه می‌دهد و ۳۱۳ نفر (باران خاص) نزد او جمع می‌شوند و اولین سخنی که بیان می‌کند، این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ...» سپس می‌فرماید: منم بقیة الله در روی زمین و جانشین و حجت خدا بر شما، پس هیچ سلام کننده‌ای به او سلام نمی‌کند جز اینکه می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.<sup>۴</sup>

## نکته‌ها

**الف)** امامان معصوم (علیهم السلام) از اسرار آیه و لایه‌های درونی آن پرده برمی‌دارند و می‌فرمایند که مراد از «بَقِيَّتُ اللَّهِ» به طور عام، همه اهل بیت (علیهم السلام) و به طور خاص، آخرین ذخیره و حجت الهی، حضرت مهدی (علیه السلام) است.

**ب)** نفهمیدن این حقیقت که امام خیر مطلق است و قدر ناشناسی مردم درباره اهل بیت (علیهم السلام) سبب شد تا جهان به بلای غیبت گرفتار شد **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.**<sup>۵</sup>

۱. «قال أبو جعفر: يَمْصُونُ الثَّمَادَ وَ يَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قِيلَ لَهُ وَ مَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ ص سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ أَدَمَ وَ هَلُمَّ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ ص قِيلَ لَهُ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عَلِيمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَبَرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (كافي، ج ۱، ص ۲۲۱، كتاب الحجّة، باب ان الائمه ورثه العلم، ح ۶).

۲. هود(۱۱)، ۸۶.

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ الْقَائِمِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا ذَاكَ اسْمٌ سَمِيَ اللَّهُ بِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يُسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَيْفَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ قَالَ يَقُولُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ (كافي، ج ۱، ص ۴۱۲، كتاب الحجّة، باب نادر، ح ۲).

۴. «...فَإِذَا خَرَجَ اسْتَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثِمِائَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...»؛ (كمال‌الدين و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).

۵. (انفال(۸)، ۵۳).



ج) مال حرام سبب جدایی از «بَقِيَّةَ اللَّهِ» می‌شود.<sup>۱</sup>

## نه . قافله سالار؟!

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا. وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾<sup>۲</sup>.

جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

وقتی آیه «يَوْمَ نَدْعُوا..» نازل شد، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! آیا شما امام همه مردم نیستید؟ حضرت فرمود: من رسول خدا به سوی همه مردم هستم، ولی پس از من، پیشوایانی از سوی خدا از اهل بیتم برای مردم خواهند بود. (برای امر امامت) به پا می‌خیزند اما مورد تکذیب و ظلم پیشوایان کفر و گمراهی قرار می‌گیرند، پس کسی که ولایت و پیروی آنان را داشته باشد و آنان را تصدیق نماید، او از من و با من خواهد بود و (در قیامت) مرا ملاقات خواهد کرد. آگاه باشید کسی که به آنان ظلم کند و آن‌ها را تکذیب نماید، او از من و با من نیست و من از او بیزارم.<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

ای فضیل! امام خودت را بشناس که اگر امامت را شناختی این امر (فرج و ظهور) جلو بیافتد یا عقب بیافتد، ضرری متوجه تو نخواهد شد و کسی که امامش را بشناسد و پیش از اینکه صاحب این امر قیام نماید، بمیرد مانند کسی خواهد بود که در لشکر ایشان حضور داشته باشد. نه! بلکه مانند کسی است که زیر پرچمش باشد و بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول خدا به شهادت رسیده باشد.<sup>۴</sup>

۱. « قَالَ لَهُمْ وَيَلَكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلَكُمْ أَلَّا تَنْصِتُونَ أَلَّا تَسْمَعُونَ» (بحار، ج ۴۵، ص ۸).

۲. اسراء (۱۷)، ۷۱ و ۷۲.

۳. «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قَالَ الْمُسْلِمُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُومُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذِبُونَ وَيُظَلِّمُهُمْ أئِمَّةُ الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ وَ أَشْيَاعُهُمْ فَمَنْ وَالَاهُمْ وَ اتَّبَعَهُمْ وَ صَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَ مَعِيَ وَ سَيَلْقَانِي أَلَّا وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ كَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مَعِيَ وَ أَنَا مِنْهُ بِرِيءٌ» (كافي، ج ۱، ص ۲۱۵، باب ان الائمه في كتاب الله، ح ۱).

۴. «عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» فَقَالَ يَا فَضِيلُ أَعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَتِهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ قَالَ وَ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَتِهِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ» (همان، ص ۳۷۱، كتاب الحجَّة، باب انه من عرف امامه).

ایشان همچنين فرمود: «مراد از «بِإِمَامِهِمْ» امامی است که پیش رویشان است و او قائم اهل زمانش می‌باشد (یعنی مراد، امامی است که از سوی خداوند برای آنان قرار داده شده است).»<sup>۱</sup>

## نکته‌ها

**الف)** هر انسانی باید ببیند در این دنیا دنباله رو چه کسی است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند (زمان ظهورش باشد) در حالی که در دوران غیبت و پیش از ظهورش به او اقتدا کرده باشد... او از همراهان و دوستان و گرمی‌ترین امتم در روز قیامت نزد من خواهد بود.<sup>۲</sup>

**ب)** آنچه سبب می‌شود عده‌ای بلغزند و از امام حق، فاصله بگیرند:

۱. شیفته قدرت و مال دنیا بودن.

۲. بی‌بصیرتی و جهل به مقام و منزلت و عصمت امام

## ده . مهم عاقبت کار است

﴿قُلْ كُلُّ مَتْرَبٍصٌ فْتَرَبٌ صُوا فِ سْتَعْلَمُونَ مَن اُ صْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَن

اَهْتَدَى ۳﴾

امام کاظم از پدر بزرگوارشان درباره این آیه شریفه چنین نقل می‌کند که حضرت فرمود: «صراط سوی» همان قائم است و هدایت یافته کسی است که به پیروی از ایشان توفیق یابد و مثل این آیه در کتاب خدا آیه «وَ اِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ اَمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اَهْتَدَى»<sup>۴</sup> است؛ یعنی کسی که به ولایت ما هدایت یابد.<sup>۵</sup>

## نکته‌ها

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قَالَ: إِمَامِهِمُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ وَ هُوَ قَائِمُ أَهْلِ زَمَانِهِ» (کافی، کتاب الحجّه، ص ۵۳۷، باب ان الائمه کلهم قائمون).

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵.

۳. طه (۲۰)، ۱۳۵.

۴. همان، ۸۲.

۵. «عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «فَسْتَعْلَمُونَ مَن اُ صْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَن اَهْتَدَى» قَالَ الصِّرَاطُ السَّوِيُّ هُوَ الْقَائِمُ وَ الْهَدَى مَن اَهْتَدَى اِلَى طَاعَتِهِ وَ مِثْلُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ اِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ اَمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اَهْتَدَى» قَالَ اِلَى وَ لَآئِنَّا» (البرهان، ج ۳، ص ۷۹۲).

یکی از اسرار غیبت امام زمان علیه السلام، این است که با سختی این دوران، منتظران را ستین از مدعیان انتظار، شناخته شوند و مشخص شود: «مَنْ أَصْحَابُ الْأَصْرَاطِ السَّوِيَّةِ وَمَنْ اهْتَدَى».

علی بن جعفر علیه السلام از برادرش، موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که فرمود: وقتی پنجمین از فرزندان هفتمین غایب شد، بر شما باد بر حفظ دینتان. مبادا کسی دینتان را از شما بگیرد... همانا چاره‌ای برای غیبت صاحب این امر نیست تا اینکه افرادی که به او باور داشتند، از او بر می گردند. همانا این غیبت امتحانی است از سوی خداوند که بندگان را با آن آزموده است.<sup>۱</sup>

### یازده . مدیریت جهانی عالم به وسیله شایسته ترین انسان‌ها

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید: «آن‌ها (عباد الصالحون) یاران حضرت قائم در آخرالزمان هستند».<sup>۳</sup>

از ایشان درباره «عباد الصالحون» پرسیدند، امام در پاسخ فرمود: «ما هستیم». همچنین از «لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» سؤال شد، امام فرمود: «شیعیان ما هستند».<sup>۴</sup>

### نکته‌ها

**الف)** در این آیه، موضوع مژده و نوید ظهور و حکومت صالحان، با نهایت تأکید بیان شده است؛ زیرا که یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمنان مهدویت، ایجاد شک و تردید و تزلزل اعتقادی است. در این آیه با دو عامل تأکید یعنی «لَقَدْ» و استفاده از واژه «كَتَبْنَا» که بیانگر قطعیت است<sup>۵</sup> بر حتمیت این وعده، تأکید شده است.

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا فَقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ يَا بَنِي إِثْرَهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ» (كافي، ج ۱، ص ۳۳۶، كتاب الحجّه، باب في الغيبه، ح ۲).

۲. انبیا (۲۱)، ۱۰۵.

۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» (نور الثقلين، ج ۳، ۴۶۴).

۴. «عَنْ سَفْيَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَرِيرِيِّ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا...» قَالَ: هُمْ نَحْنُ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ. قَالَ: هُمْ شِيعَتُنَا» (البرهان، ج ۳، ص ۸۴۷).

۵. «وَيُعْبَرُ عَنِ الْإِثْبَاتِ وَالتَّقْدِيرِ وَالإِيجَابِ وَالفَرْضِ وَالعَزْمِ بِالْكِتَابَةِ، وَوجه ذلك أن الشيء يبرأ، ثم يقال، ثم يُكْتَبُ، فالإرادة مبدأ، وَ الكِتَابَةُ منتهى. ثم يعبر عن المراد الذي هو المبدأ إذا أُريدَ توكيده بالكتابة التي هي المنتهى» (مفردات، ص ۶۹۹ ذیل واژه كتب).

**ب) واژه «الأرض»** به طور مطلق بیان شده و همه عالم را در برمی گیرد، و با توجه به نشانه‌های موجود در آیه<sup>۱</sup> و تبیین روایی امامان معصوم علیهم‌السلام، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که در این آیه مژده حاکمیت جهانی صالحان به رهبری ابوالصالح مهدی علیه‌السلام مورد توجه و اهمیت است.

**ج) به بیان برخی از بزرگان<sup>۲</sup> تعبیر «ابا صالح»** درباره حضرت مهدی علیه‌السلام برگرفته از همین آیه است؛ چرا که امام و مقتدای عبادی الصالحون، حضرت مهدی علیه‌السلام است.

**د) «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند»** کسی که در خانه یا محل کار یا... اهل ظلم است، چگونه می‌تواند یاور امام صالحان باشد؟! چنانچه امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کسی که می‌خواهد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد، و از گناه دوری کرده به اخلاق پسندیده عمل کند در حالی که چشم به راه ظهور او می‌باشد»<sup>۳</sup>.

### دوازده. عطر پاکی در سراسر عالم

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾<sup>۴</sup>

امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ..» می‌فرماید:

این آیه برای آل محمد علیهم‌السلام است و خداوند شرق و غرب عالم را در اختیار و سیطره حضرت مهدی علیه‌السلام و اصحابش قرار می‌دهد و دین را غلبه می‌دهد و همانطور که نابخردی‌ها، حق را می‌رانند، بدعت‌های باطل را به وسیله او و اصحابش نابود خواهد ساخت تا آنجا که اثری از ظلم دیده نشود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

<sup>۲</sup> فصل نامه علمی - ترویجی انتظار موعود، شماره ۱۲، ص ۲۱.

<sup>۳</sup> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ» (نعمانی، العیبه، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ج ۱۶).

<sup>۴</sup> حج (۲۲)، ۴۱.

<sup>۵</sup> «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - وَ الْمَهْدِيُّ وَ أَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا - وَ يَظْهَرُ الدِّينَ - وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ - كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ لِلظُّلْمِ» (علی قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۸۷).

امام حسین علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیهما السلام درباره قول خداوند که «الَّذِينَ إِن مَكَّنَاهُمْ...»<sup>۱</sup> فرمودند: «این آیه درباره ما اهل بیت است».

## نکته‌ها

**الف)** نماز، مظهر ارتباط با خالق و زکات و انفاق، مظهر ارتباط با هم‌نوع است  
**ب)** امر به معروف و نهی از منکر به معنای پیوند سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر است که همچون مسافران کشتی باید در سالم به مقصد رسیدن، یکدیگر را یاری کنند  
**ج)** در طول تاریخ در تقابل حق و باطل، حجت‌های الهی در پی اقامه نماز و ایتاء زکات و احیاء ارزش‌ها و نابودی باطل قیام کردند،  
**د)** در تقابل نهایی حق و باطل، سرانجام دین مورد رضایت خدا بر سرا سرگیتی حاکمیت پیدا می‌کند<sup>۲</sup> و مدیریت جهانی عالم به دست «عِبَادِی الصَّالِحُونَ» خواهد افتاد<sup>۳</sup> و همه مستضعفان و مظلومان جهان، وارث مستکبران خواهند شد<sup>۴</sup>

## سیزده . تحقق هدف خلقت با حاکمیت جهانی توحید ناب

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۵</sup>

امام سجاد علیه السلام بعد از تلاوت این آیه شریفه فرمود:

به خدا قسم آن‌ها شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند به دست مردی از ما اهل بیت که او مهدی این امت است، این کار را انجام خواهد داد و او همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی از خاندانم که همانم من است، امور را برعهده گیرد و زمین را پر از عدل و

<sup>۱</sup> «مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «الَّذِينَ إِن مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» قَالَ هَذِهِ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷).

<sup>۲</sup> همان، ۳۳؛ فتح (۴۸)، ۴۸؛ صف (۶۱)، ۹.

<sup>۳</sup> انبیا (۲۱)، ۱۰۵.

<sup>۴</sup> قصص (۲۸)، ۵.

<sup>۵</sup> نور (۲۴)، ۵۵.

داد نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.» (یعنی عدالتش همه عالم را فرا می‌گیرد  
آنگونه که ظلم همه جا را فراگرفته است).<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام: «این آیه درباره حضرت قائم و اصحابش نازل شده است.»<sup>۲</sup>

### نکته‌ها

- الف)** آنچه را خداوند وعده داده باشد، قطعاً واقع خواهد شد
- ب)** مراد از تمکین دین، فراگیر شدن دین و جامه عمل پوشیدن احکام و دستورات آن، در گستره جهانی است
- ج)** منظور از دین مورد رضای خدا همان اسلام است که در روز غدیر کامل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۳</sup>
- د)** تعبیر «لِيُبَدِّلَنَّهُمْ» بیانگر شدت فشار و ظلم مستکبران در دوران غیبت به مؤمنان است
- ه)** هدف نهایی ظهور، حاکمیت توحید ناب و خالص است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» البته جبر حاکم نمی‌شود؛ بنابراین فرمود: «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

<sup>۱</sup>. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ وَ قَالَ هُمْ وَ اللَّهُ شَبِعْتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا وَ هُوَ مَهْدَى هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِيهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عَتَرَتِي اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ (نور الثقلين، ج ۳، ص ۶۲۰).

<sup>۲</sup>. البرهان، ج ۴، ص ۸۹.

<sup>۳</sup>. مائده (۵)، ۳.

## چهارده . ندای آسمانی

﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۱</sup>

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آیه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»<sup>۲</sup> سؤال شد، امام فرمود: «با (تحقق) سه نشانه منتظر فرج باشید؛ اختلاف بین اهل شام، پرچم های سیاه از خراسان و صدای آسمانی در ماه مبارک رمضان». سپس فرمود: «آیا قول خداوند را در قرآن نشنیده اید «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ...» این نشانه ایست که دختران را از داخل (خانه) بیرون می کشد و خفته ها را بیدار و بیدارها را به وحشت می اندازد»<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: «به خدا قسم این (نداء آسمانی به اسم حضرت قائم) در قرآن روشن است: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ...»<sup>۴</sup>. همچنین فرمود: «برای حضرت قائم پنج نشانه وجود دارد: ظهور سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف در (منطقه) بیداء»<sup>۵</sup>.

## نکته ها

**الف)** هر حقیقتی، آیه و نشانه ای دارد ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) نیز از این قاعده مستثنی نیست. صدها نفر در این زمان ادعای مهدویت داشته اند، به طور طبیعی اقتضای حکمت این است که خداوند حکیم برای این امر، نشانه هایی روشن قرار دهد. یکی از نشانه های حتمی ظهور، ندای آسمانی است.

**ب)** بر اساس روایات، این ندا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در همان سالی که قرار است ظهور محقق شود، به وسیله جبرئیل انجام می شود و همه مردم عالم، هر کس به زبان خود آن را می شنود.<sup>۶</sup>

**ج)** زرارة بن اعین به امام صادق (علیه السلام) می گوید: من در قضیه حضرت قائم در شگفتم، چگونه ممکن است با آن عجایب (معجزات) که دیده می شود، مانند خسف در بیداء و ندای آسمانی،

<sup>۱</sup> شعراء (۲۶)، ۴.

<sup>۲</sup> مریم (۱۹)، ۳۷؛ زخرف (۴۳)، ۶۵.

<sup>۳</sup> «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» فَقَالَ: أَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا هُنَّ فَقَالَ: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَالْفَرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقِيلَ وَمَا الْفَرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ أَوْ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» هِيَ آيَةُ تَخْرُجُ الْفَتَاةُ مِنْ خَدْرِهَا وَتَوْفِظُ النَّائِمَ وَتَفْرِعُ الْيَقْظَانَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۱، باب ۱۴، ح ۸).

<sup>۴</sup> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... أَنِّي قَدْ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَبِينٌ حَيْثُ يَقُولُ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (همان، ص ۲۶۰، ح ۱۹).

<sup>۵</sup> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: لِلْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ ظُهُورُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ» (همان، ص ۲۵۲، ح ۹).

<sup>۶</sup> رک: نعمانی، الغيبة، باب ۱۴.

کسی پیدا شود و با ایشان بجنگد؟! حضرت در پاسخ وی فرمود: «شیطان آنان را رها نمی کند تا اینکه ندا دهد ندایی شبیه به آن، با هدف ایجاد تردید»<sup>۱</sup>.

(د) با پیشرفت علم و تکنولوژی می توان گفت دشمن با ابزار فوق مدرن، ندای آسمانی را شبیه سازی می کند و عده ای را در تشخیص حق به مشکل دچار می کند. (هـ) وقتی مفضل بن عمر درباره همین موضوع یعنی مشکل تشخیص حق از باطل گریه می کند و راه چاره می جوید، امام صادق علیه السلام نگاهی به خورشید می اندازد و می فرماید: «به خدا قسم امر ما از این خورشید واضح تر است»<sup>۲</sup>.

### پانزده . مضطر

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ اللَّهُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۳</sup>

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که ایشان درباره آیه شریفه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ..» فرمود:

این آیه درباره حضرت قائم نازل شده است و جبرئیل بر روی ناودان (طلا) به صورت پرنده ای سفید است و اولین کسی است که با حضرت بیعت می کند و سبب و سبزه نفر (از اصحاب خاص) نیز بیعت می کنند.<sup>۴</sup>

همچنین فرمود: «او (حضرت قائم) همان مضطری است که خداوند می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ..» (این آیه) درباره او و برای او نازل شده است»<sup>۵</sup>. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَجِبْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَإِنِّي لَأَعْجَبُ مِنَ الْقَائِمِ كَيْفَ يُقَاتِلُ مَعَ مَا يَرُونَ مِنَ الْعَجَائِبِ مِنْ حُسْفِ الْبَيْدَاءِ بِالْجَيْشِ وَمِنَ النَّدَاءِ الَّذِي يَكُونُ مِنَ السَّمَاءِ فَقَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يَنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمَ الْعَقَبَةِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۵، باب ۱۴، ح ۲۹).

۲. «الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ... فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ (يا ابا عبد الله!) فَكَيْفَ نَصْنَعُ قَالَ فَانظُرْ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (كنيه مفضل، ابا عبد الله بوده) تَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ قُلْتَ نَعَمْ فَقَالَ وَاللَّهِ لَأَمْرُنَا أَيْبَنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ» (كافی، ج ۱، ص ۳۳۶، كتاب الحجّة، باب في الغيبة، ح ۳).

۳. نمل (۲۷)، ۶۲.

۴. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَكَانَ جِبْرِئِيلُ علیه السلام عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةٍ طَيْرٍ أَيْضًا فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ اللَّهِ مَبَايَعَةَ لَهُ أَعْيَى جِبْرِئِيلَ وَيَبَايَعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثِمِائَةَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۴، باب ۲۰، ح ۶).

۵. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَهُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ فِيهِ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فِيهِ نَزَلَتْ وَ لَهُ» (همان، ص ۱۸۲، باب ۱۰، ح ۳۰).



(این آیه) درباره قائم از آل محمد نازل شده است؛ به خدا قسم او مضطرب است، آنگاه که نزد مقام (حضرت ابراهیم) دو رکعت نماز گزارد و خدا را بخواند، پس او را اجابت نماید و سوء (گرفتاری و ظلم) را برطرف کند و خداوند او را خلیفه و جانشین خود بر زمین قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

### نکته‌ها

**الف)** قطعاً دعای امام زمان تمام شرایط اجابت را دارد؛ اما تا مردم به طور حقیقی خواهان این امر نباشند، خداوند اذن ظهور نخواهد داد چنانچه در روایت آمده است: «و اگر پیروان ما که خداوند آنان را برای پیرویش موفق سازد، از روی شناخت و صادقانه در وفای به عهدی که بر آن‌هاست متحد و یکدل می‌شدند، برکت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و در سعادت مشاهده (ظهور) ما شتاب می‌شد».<sup>۲</sup>

**ب)** آنگاه که مردم با آگاهی از خسارت‌های جبران‌ناپذیر غیبت و ظلم و ستم مستکبران، مضطرانه خدا را خوانند و فرج را خواستار شدند، حجت و ولی خدا با حالت اضطرار دست به دعا بر می‌دارد و بر طرف شدن سوء (غیبت) را از درگاه ایزد منان می‌خواهد.

**ج)** بر خواص جامعه به ویژه حوزویان لازم است با تقویت و تعمیق شناخت مردم درباره امام و به تصویر کشیدن خسارت‌های مادی و معنوی غیبت حجت خدا، در راه تعجیل فرج قدم‌های بلندی بردارند

### شانزده . رجعت

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه السلام) از حماد پرسید: مردم (اهل سنت) در باره آیه «يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» چه می‌گویند؟ عرض کرد: می‌گویند این (حشر) در قیامت است. حضرت فرمود: اینگونه که می‌گویند نیست! این آیه درباره رجعت است (اگر آیه درباره قیامت باشد) آیا خداوند از هر

<sup>۱</sup> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ، هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَاجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ (علی قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۲۹).

<sup>۲</sup> «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَجَلَّتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا»؛ (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹).

<sup>۳</sup> نمل (۲۷)، ۸۳.

امتی گروهی را محشور می‌نماید و بقیه را رها می‌کند؟! همانا آیه قیامت این آیه است «وَحَسْرَتُهُمْ فَلَمْ يَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»<sup>۱</sup>.

## نکته‌ها

**الف)** یکی از مسلمات مذهب شیعه که اجماع بر آن اقامه شده است و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد،<sup>۲</sup> وقوع رجعت در آخرالزمان است.<sup>۳</sup>

**ب)** رجعت بارها در امت‌های گذشته اتفاق افتاده است<sup>۴</sup> و بر اساس روایت مشهور نبی مکرم اسلام ﷺ، هر آنچه که در امت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امت هم واقع خواهد شد<sup>۵</sup> مگر اینکه دلیل معتبری بر استثناء آن رسیده باشد و درباره رجعت نه تنها دلیلی بر نفی آن وجود ندارد، بلکه دلایل متواتری بر اثبات آن موجود است.<sup>۶</sup>

**ج)** یکی از آیاتی که به روشنی بر وقوع رجعت در امت اسلام دلالت دارد، آیه بالاست.  
**د)** در این آیه شریفه، به رجعت تکذیب‌کنندگان اشاره می‌شود و در آیات دیگر<sup>۷</sup> و روایت‌های زیادی به رجعت خوبان نیز اشاره شده است؛ از جمله آیه «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»<sup>۸</sup> و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند.

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که امام فرمود:

حضرت قائم از پشت کوفه ۲۷ مرد را خارج می‌کند (به اذن الهی آنان را زنده می‌گرداند)، پانزده نفر از قوم حضرت موسی (علیه السلام) کسانی که (قرآن می‌فرماید) «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» و هفت نفر از اهل کهف، یوشع بن نون (وصی حضرت موسی)، سلمان، ابادجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر؛ پس اینان در محضر امام از یاران و حاکمان خواهند بود.<sup>۹</sup>

<sup>۱</sup> «عن حماد عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما يقول الناس في هذه الآية: «يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قلت: يقولون أنها في القيامة قال: ليس كما يقولون أنها في الرجعة، أ يحشر الله في القيامة من كل فوجا و يدع الباقيين؟ إنما آية القيامة: «وَحَسْرَتُهُمْ فَلَمْ يَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ كهف(۱۸)، ۴۷؛ تفسير نور الثقلين، ج ۴، ص ۱۰۰.

<sup>۲</sup> ر.ک: ليقاظ الهجعه بالبرهان على الرجعه.

<sup>۳</sup> «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا فَيَعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا وَ يُذِلُّ فَرِيقًا»؛ (أوائل المقالات، ص ۷۸).

<sup>۴</sup> بقره(۳)، ۵۵ و ۵۶، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۹؛ مائده(۵)، ۱۱۰.

<sup>۵</sup> «وَقَالَ النَّبِيُّ يُكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوَ النَّعْلِ وَالنَّعْلُ وَ حَذْوَ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ»؛ (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۳، باب فرض الصلاة، ح ۶۰۹؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۱۱، ص ۳۶۹، باب سنن من كان قبلكم، ح ۲۰ ۷۶۳ به بعد).

<sup>۶</sup> أعلم يا أخي إني لا أظنك ترتاب بعد ما...؛ (بحار، ج ۵۳، ص ۱۲۲ به بعد).

<sup>۷</sup> غافر(۴۵)، ۵۱.

<sup>۸</sup> اعراف(۷)، ۱۵۹.

<sup>۹</sup> «رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ يُخْرِجُ الْقَائِمُ مِنَ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةً مِنَ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يوشع بن نون وَ سلمان وَ أَبَا دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمِقْدَادَ وَ مَالِكًا الْأَشْثَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا»؛ (ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶، فصل سيرة الامام المهدي).

هـ) درباره فلسفه و حکمت رجعت، می‌توان امور زیر را برشمرد:

- تبیین حق با اقرار و اعتراف خودِ ظالمان؛
- مجازات سخت ظالمان؛
- قدرت‌نمائی حق؛
- مدال عظیم یاری امام، برای منتظران واقعی؛
- شفای دل اهل ایمان؛<sup>۱</sup>
- فراهم شدن زمینه رشد و تعالی برای مؤمنان

### هفده . سنت زیبای نجات مستضعفان و نابودی مستکبران

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

دنیا پس از چموشی — همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد — به ما روی می‌آورد. سپس آن حضرت این آیه را تلاوت کرد: «وَنُرِيدُ...»<sup>۳</sup>

همچنین درباره این آیه شریفه فرمود:

اینان آل محمدر (علیه السلام) هستند که پس از مشقتی که (از سوی مستکبران) خواهند کشید، خداوند مهدیشان را می‌فرستد و آنان را عزت و دشمنانشان را ذلت و خواری می‌بخشد.<sup>۴</sup>

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نگاه کردند، گریستند و فرمودند: شما پس از من مستضعف خواهید شد. مفضل می‌گوید: به امام عرض کردم معنای (رسول خدا از این سخن) چیست؟ فرمود: معنای سخن حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این است که شما پس از من امام هستید؛ خداوند می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ...» این آیه تا روز قیامت در ما جاری است (ائمه از ما خواهند بود).<sup>۵</sup>

۱. «وَإِنْ أَدْرَكْتَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظَهْرِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْرِكَ وَرَجْعَةً فِي أَيْمَانِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مَرَادِي وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فَوَادِي» (ای امام زمان) اگر پیش از ظهور شما مرگ مرا در برگرفت، پس من به وسیله شما به خداوند سبحان متوسل می‌شوم که بر محمد و آلش درود بفرستد و رجعتی برای من در دوران ظهور شما و رجعتی در دوران شما (اهل بیت) قرار دهد، تا به خواسته‌ام در پیروی از شما دست یابم و دلم (با مجازات) دشمنان شفا یابد» (بحار، ج ۵۳، ص ۹۵).

۲. قصص (۲۸)، ۵.

۳. «لَتَتَّعِظَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹).

۴. «عَنْ عَلِيِّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَنُرِيدُ أَنْ...» قَالَ: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يُبْعَثُ اللَّهُ مُهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعْزُهُمْ وَيُدِلُّ عَدُوَّهُمْ» (شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۸۴، فصل ۱، کلام علی الواقفه).

۵. «عن مفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نظر إلى علي والحسن والحسين عليهم السلام فبكى وقال: أتتم المستضعفون بعدى. قال المفضل: فقلت له: ما معنى ذلك يا ابن رسول الله؟ قال قال: معناه انكم الائمة»

حکیمه خاتون می گوید:

وقتی حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمدند، ایشان را به نزد پدر بزرگوارشان آوردم. حضرت فرمود: فرزندم سخن بگو! آنگاه به قدرت الهی (عیسی گونه) لب به سخن گشود و گفت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَ...»<sup>۱</sup>

### نکته‌ها

**الف)** این آیه بیانگر سنت قطعی الهی براساس نجات مظلومان و نابودی ظالمان  
**ب)** مراد از «منت»، عظیم و بزرگ بودن این نعمت است  
**ج)** مراد از مستضعفان در این آیه، بندگان صالح خدا هستند و در رأس آنها، امیرالمؤمنین علیه السلام و بقیه اهل بیت علیهم السلام قرار دارند

### هجده . نعمت پنهان

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ﴾<sup>۲</sup>

راوی از امام کاظم علیه السلام درباره این آیه پرسید، حضرت فرمود: نعمت آشکار، امام آشکار است و نعمت پنهان، امام غایب است. راوی در ادامه پرسید: مگر کسی از ائمه غایب خواهد شد؟ حضرت فرمود: بله، شخص او از چشمان مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود. او دوازدهمین از ما ست و خداوند هر سختی را برای او آسان و هر دشواری را برایش رام و گنج‌های زمین را برایش آشکار و هر دوری را نزدیک و هر گردنکشی را به دستش نابود می‌گرداند. او فرزند سرور کنیزان است که ولادتش بر مردم مخفی می‌ماند و ذکر نام او (محمّد) برایشان جایز نیست تا اینکه خداوند او را آشکار کند و زمین را پر از عدل و داد نماید آنگونه که از ظلم و ستم پر شده است.<sup>۳</sup>

بعدي ان الله عز و جل يقول: «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين» فهذه الآية جارية فينا الى يوم القيامة» (نور الثقلين، ج ۴، ص ۱۱۰).

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. لقمان (۳۱)، ۲۰.

۳. «عن أبي أحمد محمد بن زياد الأزدي قال: سألت سيدي موسى بن جعفر عن قول الله عز و جل «وأسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة» فقال النعمة الظاهرة الإمام الظاهر و الباطنة الإمام الغائب فقلت له و يكون في الأئمة من يغيب قال نعم يغيب عن أبصار الناس شخصه و لا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره و هو الثاني عشر من يسئل الله له كل عسير و يدل له كل صعب و يظهر له كنوز الأرض و يقرب له كل بعيد و يبسر به كل جبار عنيد و يهلك على يده كل شيطان مرید ذلك ابن سيده الإمام الذي تخفى على الناس ولادته و لا يحل لهم تسميته حتى يظهره الله عز و جل فيملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۳۴، ح ۶).

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

نعمت آشکار، رسول خدا و معارف توحیدی است که آورد و نعمت باطنه، ولایت و مودت ما اهل بیت (علیهم السلام) است که عده‌ای آن نعمت آشکار را معتقد شدند؛ ولی نعمت پنهان را از دست دادند و خداوند این آیه را نازل کرد: «ای فرستاده (خدا)! آن‌ها که در راه کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آن‌ها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند!»<sup>۱</sup> پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام نزول این آیه خوشحال شد؛ زیرا خداوند ایمانشان را جز با ولایت و محبت ما نمی‌پذیرد.<sup>۲</sup>

### نکته‌ها

امام، نعمت است، آن هم اساس و رأس همه نعمت‌ها که اگر کسی این نعمت را نشناسد، همه نعمت‌ها را از دست داده است. به همین دلیل شیعه و اهل سنت از حضرت رسول روایت کرده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

## نوزده . وضعیت جهان پس از ظهور و حدیثی شگفت انگیز ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد، مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند، شب و روز یکی می‌شود، تاریکی از میان می‌رود، انسان هزار سال عمر می‌کند، هر سال برای او فرزند پسر می‌آید... به فرزندش لباس می‌پوشاند، پس هرچه او بزرگ می‌شود، لباس هم بزرگ می‌شود و به هر رنگی که بخواهد در می‌آید.<sup>۴</sup>

### نکته‌ها

<sup>۱</sup> «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ»؛ (مائده (۵)، (۴۱)).  
<sup>۲</sup> «عَنْ شَرِيكِ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» قَالَ أَمَّا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهِيَ النَّبِيُّ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَوْحِيدِهِ وَ أَمَّا النِّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَوَلَايَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدَ مَوَدَّتِنَا فَاعْتَقِدْ وَ اللَّهُ قَوْمَ هَذِهِ النِّعْمَةِ الظَّاهِرَةِ وَ الْبَاطِنَةِ وَ اعْتَقِدْهَا قَوْمَ ظَاهِرَةٍ وَ لَمْ يَعْتَقِدُوهَا بَاطِنَةً فَأَنْزَلَ اللَّهُ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ» فَفَرِحَ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ نَزْوْلِهَا إِذْ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيمَانَهُمْ إِلَّا بِعَقْدِ وَلَايَتِنَا وَ مَحَبَّتِنَا»؛ (نور الثقلين، ج ۴، ص ۲۱۲).

<sup>۳</sup> زم (۳۹)، ۶۹. توضیح آن در آیه منتخب از جزء ۲۴ خواهد آمد.  
<sup>۴</sup> «عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو الْجَعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ صَارَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَاحِدًا، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ، وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُولَدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ... يَكْسُوهُ الثُّوبَ فَيَطْوِلُ عَلَيْهِ كَلِمًا طَالًا، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَى لَوْنٍ شَاءَ»؛ (دلائل الامامة، ص ۴۵۴، ح ۴۳۳).

**الف)** بسیاری از آیات قرآن به قیامت ناظر است؛ اما با وجود این، بر اساس روایات به ظهور و رجعت نیز ناظر می‌باشد. سرّ آن را مرحوم علامه طباطبایی در المیزان تبیین کرده است: ظهور، رجعت و قیامت از یک جهت با هم وجه اشتراک دارند و از جهت دیگر با هم متفاوتند: اشتراک آن‌ها در تجلی و ظهور و غلبه حق و آشکار شدن واقعیت‌ها است و اما در شدت و ضعف این ظهور و بروز حق، با هم متفاوت هستند. تجلی حق در رجعت، بیش از ظهور است و در قیامت به اوج خود می‌رسد.<sup>۱</sup>

**ب)** امام جلوه نور خدا و مظهر کامل اسماء و صفات حسناى اوست؛ بنابراین در آیه نور می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...»<sup>۲</sup> در منابع زیادی آمده است که مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: مراد از این خانه‌ها چیست؟ (خانه چه کسی است؟) حضرت فرمود: خانه پیامبران. ابابکر (با اشاره به خانه حضرت علی) پرسید: این خانه نیز از همان خانه‌هاست؟ فرمود: بله! بلکه از برترین آن‌هاست.<sup>۳</sup>

اکنون می‌توان سرّ آغاز دعای عهد را با جمله «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ... أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ» دریافت.

**ج)** با ظهور حضرت مهدی ﷺ و حاکمیت تمام عیار توحید بر سرا سر عالم، قطعاً و وضعیت عالم دگرگون خواهد شد، آن چنان که شاید امروز نتوانیم به درستی آن را درک کنیم<sup>۴</sup>

### بیست . منتظران! به هوش باشید

﴿لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>۵</sup>

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶ تا ۱۱۰ در شرح آیه ۲۱۰ از سوره بقره.

۲. نور (۲۴)، ۳۵ و ۳۶.

۳. «عن أنس بن مالك، و عن بريدة، قالوا: قرأ رسول الله: في بيوتِ أذنِ الله أن ترفعَ و يذكرَ فيها اسمه يسبحُ له فيها بالغدو و الأصال فقام إليه رجل، فقال: أي بيوت هذه، يا رسول الله قال: «بيوت الأنبياء». فقام إليه أبو بكر، فقال: يا رسول الله، هذا البيت منها؟ و أشار إلى بيت علي و فاطمة: قال: «نعم، من أفضلها» (البرهان، ج ۴، ص ۷۶).

۴. اعراف (۷)، ۹۶.

۵. حدید (۵۷)، ۱۶ و ۱۷.

آیه «أَلَمْ يَأْن...» درباره مردم زمان غیبت نازل شده است و مراد از «آمد» زمان غیبت است. سپس فرمود: آیا نشنیده‌ای قول خداوند را که می‌فرماید: «اعلموا أن الله...» یعنی با عدالت حضرت قائم علیه السلام آن را زنده می‌کند بعد مردنش به وسیله ظلم و ستم پیشوایان گمراه.<sup>۱</sup>  
نکته‌ها

**الف) تعبیر «أَلَمْ يَأْن»** که به معنای «آیا وقت آن نرسیده است» می‌باشد، در واقع گلابیه و هشدار به امت اسلام است نسبت به وعده‌ای که به آنان داده شده است تا مبدا همان راهی را بروند که اهل کتاب رفتند: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ».

**ب)** دلیل اینکه «منتظران خاتم الانبیاء» با تحقق وعده الهی ایمان نیاوردند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- حسادت؛
- دلبستگی و حرص شدید به دنیا؛
- جهل درباره معیار حق و باطل بودن حجت خدا و تعیین تکلیف برای او؛
- برخورد ایزاری با دین و پذیرش سلیقه‌ای آن و...؛
- خود برتر بینی و روحیه استکباری.

**ج)** پیام آیه شریفه این است که ای «منتظران خاتم الاوصیاء»! شما مانند «منتظران خاتم الانبیاء» نباشید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ».

**د)** وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام از دیدگاه این آیه، این است که «أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ».

**هـ)** امام برای احیاء عمران و آبادی عالم می‌آید (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) و برخورد قهرآمیز او نیز علیه مستکبران و در جهت رهایی بشر و احیای عالم است. با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، دل‌هایی که با گناه و محبت دنیا مرده، با یاد خدا و معرفت توحیدی و بندگی خالصانه زنده و سرسبز می‌شود.

### بیست و یک . جایگاه انتظار و پاداش عظیم منتظران

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾<sup>۲</sup>.

۱. «عن أبي عبد الله جعفر بن محمد أنه قال: نزلت هذه الآية التي في سورة الحديد «و لا تكونوا كالأذين أوتوا الكتاب...» في أهل زمان .. و قال إنما الأمد أمد الغيبة ثم قال: أ لا تسمع قوله تعالى في الآية التالية لهذه الآية «اعلموا أن الله يحيى الأرض...» أى يحييها الله بعدل القائم عند ظهوره بعد موتها بجزور أئمة الضلال»؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۴ و ۲۵).  
۲. حدید(۵۷)، ۱۹.

منهال قصاب می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم از خداوند بخواهید تا شهادت را روزیم کند. پس ایشان فرمود: مؤمن شهید است. سپس این آیه را تلاوت نمودند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...»<sup>۱</sup>.  
حارث بن مغیره می گوید:

محضر امام باقر علیه السلام بودیم، پس فرمود: کسی از شماها که آگاه به این امر (ظهور حضرت قائم) و چشم به راه آن باشد و در این کار خیر و نیکی را در نظر بگیرد، به خدا قسم همانند کسی است که در رکاب حضرت قائم با شمشیر جهاد کرده است؛ سپس فرمود: بلکه به خدا قسم همانند کسی است که با شمشیر در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله جهاد نموده است؛ سپس فرمود: بلکه به خدا قسم همانند کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در خیمه اش به شهادت رسیده باشد و در کتاب خدا درباره شما (منتظران) آیه ای است. عرض کردم: کدام آیه (در مورد ما است؟) فدای شما شوم! فرمود: قول خداوند که می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...» سپس فرمود: به خدا قسم شما نزد پروردگارتان صادق و شهید گشته اید.<sup>۲</sup>

راوی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! سنم زیاد شده است (پیر شده ام) و استخوان هایم سست گشته و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از اینکه این امر (ظهور حق) را درک کنم، مرگم فرا رسد. حضرت به من فرمود: ای ابا حمزه! آیا نظرت این است که فقط هر کسی که (در راه خدا) کشته شود، شهید است؟ عرض کردم: بله فدای شما شوم. پس فرمود: ای ابا حمزه! کسی که به ما ایمان آورد و سخن ما را تأیید کند و منتظر امر ما باشد، همانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم کشته شود؛ بلکه به خدا قسم (مثل این است که) زیر پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله (کشته شود).<sup>۳</sup>

## نکته ها

۱. «عن منهال القصاب قال قلت لأبي عبد الله ادع الله أن يرزقني الشهادة فقال المؤمن شهيد ثم تلا و الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ»؛ (تأویل آیات الظاهرة، ص ۶۳۹).

۲. «عن الحارث بن المغيرة قال كنا عند أبي جعفر فقال العارف منكم هذا الأمر المنتظر له المحتسب فيه الخير كمن جاهد و الله مع قائم آل محمد بسيفه ثم قال بل و الله كمن جاهد مع رسول الله ص بسيفه ثم قال بل و الله كمن استشهد مع رسول الله ص في فسطاطه و فيكم آية من كتاب الله قلت و أي آية جعلت فداك قال قول الله عز و جل و الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ثم قال صرتم و الله صادقين شهداء عند ربكم»؛ (تأویل آیات الظاهرة، ص ۶۴۰).

۳. «ما رواه صاحب كتاب البشارات مرفوعاً إلى الحسين بن أبي حمزة عن أبيه قال قلت لأبي عبد الله جعلت فداك قد كبر سني و دق عظمي و اقترب أجلي و قد خفت أن يدركني قبل هذا الأمر الموت قال فقال لي يا أبا حمزة أ و ما ترى الشهيد إلا من قتل قلت نعم جعلت فداك فقال لي يا أبا حمزة من آمن بنا و صدق حديثنا و انتظر أمرنا كان كمن قتل تحت راية القائم بل و الله تحت راية رسول الله»؛ (همان).



**الف)** این آیه شریفه، از دو جریان سخن می‌گوید که در طول تاریخ یکی، در پی احیای حق و عدالت و دیگری، به دنبال خاموش کردن آن بوده‌اند: جریان هاییل و قابیل، جریان حق و باطل، جریان مؤمنان و مستکبران.

**ب)** سخت‌ترین فشارها و تهدیدات بر مؤمنان، و بالاترین جاذبه‌های مادی در دور کردن آن‌ها از حق، در مصاف نهایی حق و باطل خواهد بود چه در دوران غیبت رهبر این قیام و چه در دوران ظهور او. به همین دلیل است که پیامبر گرامی خدا ص فرمودند: «ای علی! شگفت‌انگیزترین ایمان و با عظمت‌ترین یقین از آن مردمانی است در آخر الزمان که پیامبرشان را ندیده‌اند و حجت (و امام‌شان) نیز غایب است؛ اما به سیاهی (نوشته‌های) روی سفیدی (کاغذ) ایمان آورده‌اند»<sup>۱</sup>.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «کسی که در دوران غیبت قائم ما، بر ولایت‌مان ثابت قدم باشد، اجر و پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را خواهد داشت»<sup>۲</sup>.

### بیست و دو. چرا مضطر و بی‌قرار امامان نشده ایم؟!

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾<sup>۳</sup>

در جنگ بدر عمار خود را به حضرت رسول ﷺ رساند و از مجاهدت‌های بی‌مانند امام علی (علیه السلام) گفت. حضرت فرمود: آری، او از من است و من از اویم، او جانشین من است... و ائمه از نسل اویند و مهدی امت از جمله آنان است. عمار پرسید: مهدی کیست؟ حضرت فرمود: ... او نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است که غایب خواهد شد و این قول خداست که می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ...﴾ غیبتی طولانی خواهد داشت و عده‌ای از (ولایت) او باز

می‌گردند و عده‌ای ثابت قدم می‌مانند... او هم‌نام و شبیه‌ترین افراد به من است.<sup>۴</sup>

۱. «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ وَاعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَاعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَتَهُمُ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيِّ بِيَاضٍ»؛ (كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸).  
۲. «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ: مَنْ ثَبَّتَ عَلِيٌّ مَوَالِيَنَا فِي غَيْبَةِ فَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ»؛ (همان، ص ۳۲۳، باب ۳۱، ح ۷).

۳. مملک (۶۷)، ۳۰.

۴. «عن عمار، قال: كنت مع رسول الله في بعض غزواته، و قتل على أصحاب الألوية و فرق جمعهم، و قتل عمرو بن عبد الله الجمحي، و قتل شيبه بن نافع، أتيت رسول الله فقلت له: يا رسول الله، إن عليا قد جاهد في الله حق جهاده. فقال: لأنه مني و أنا منه، و إنه وراث علمي، ... إلا إنه أبو سبطي، و الأئمة من صلبه، يخرج الله تعالى الأئمة الراشدين من صلبه، و منهم مهدى هذه الأمة. فقلت: بأبي و أمي يا رسول الله، من هذه المهدي؟ قال: يا عمار، إن الله تبارك و تعالى عهد إلى أنه يخرج من صلب الحسين أئمة تسعة، و التاسع من ولده يغيب عنهم، و ذلك قوله عز و جل: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ تكون له غيبة طويلة، يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون، فإذا كان في آخر الزمان يخرج فيملاً الدنيا قسماً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، و يقاتل على التأويل كما قاتلت على التنزيل، و هو سمى و أشبه الناس بي»؛ (البرهان، ج ۵، ح ۴۴۸).

امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «معنای آیه این است که بگو بیندیشید اگر امامتان غایب شد به گونه‌ای که ندانید او کجاست پس چه کسی امامی ظاهری برایتان خواهد آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیان کند»<sup>۱</sup>.

## نکته‌ها

**الف)** روایات زیادی، از معنای عمیق‌تری پرده می‌دارد و آن اینکه اگر روزی امام زمانمان غایب شود، چه خواهیم کرد؟ این هشدار از آغاز به امت اسلام داده شد اما متاسفانه به آن توجهی نشد!

**ب)** دلیل غایب شدن امام، خود مردم هستند، زیرا اگر خداوند بدون اینکه مردم نقشی در این باره داشته باشند، حجت خود را غایب کند، این سؤال معنایی ندارد. بنابراین تا حقیقتاً قدرشناس حجت خداوند نشویم، خبری از ظهور نخواهد بود.<sup>۲</sup>

**ج)** معنای این سؤال که «اگر امامتان غایب شد، چه خواهید کرد؟» این است که با غیبت امام، ما دچار خسران و ضرر جبران‌ناپذیری خواهیم شد، گرچه امام غایب همانند خورشید پنهان دارای آثار و برکات زیادی برای ما و همه هستی است، اما با وجود این بخش زیادی از فواید امام به عدم غیبت او وابسته است که با غیبتش از آن محروم خواهیم شد.

**د)** یکی از القاب زیبایی ائمه (علیهم السلام) به طور عام و لقب امام زمان (علیه السلام) به طور خاص، «ماء معین» است که از همین آیه شریفه گرفته شده است  
امام رضا (علیه السلام) فرمود: «چه بسیارند زنان مؤمن دلسوخته و چه بسیارند مردان مؤمن دلسوخته و غمگین هنگام از دست دادن (غیبت) «ماء معین»»<sup>۳</sup>.

## بیست و سه . صاحب و میزبان شب قدر

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾<sup>۴</sup>

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

<sup>۱</sup>. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» فَقَالَ هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ حَلَّالِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ حَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا: (كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶، باب ۳۲، ح ۳).

<sup>۲</sup>. زیرا اگر بدون اینکه در مردم تغییری ایجاد شود، دوباره آن نعمتی را که بر اثر قدر ناشناسی از آنان گرفته شده بود، باز گرداند خلاف حکمت خواهد بود. این نکته به خوبی از آیاتی مانند آیه ۱۱ سوره رعد و ۵۳ سوره انفال استفاده می‌شود.

<sup>۳</sup>. «... كَمْ مِنْ حَرِيٍّ مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانٍ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ»: (كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، باب ۳ (۳۵)، ح ۳).

<sup>۴</sup>. قدر (۹۱)، ۴.

شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در این شب نازل می شود و برای این امر پس از رسول خدا والیانی وجود دارد. ابن عباس پرسید اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده نفر از صلب من.<sup>۱</sup>

امام جواد علیه السلام می فرماید: «فضیلت کسی که ایمان به «إِنَّا أَنْزَلْنَا» و تفسیر آن دارد، بر کسی که چنین ایمانی ندارد همانند برتری انسان بر بهائم است».<sup>۲</sup>

## نکته‌ها

**الف)** همه امت اسلام بر ادامه شب قدر تا قیامت اتفاق نظر دارند<sup>۳</sup>

**ب)** یک هیأت با محوریت جبرئیل از سوی خداوند متعال در شب قدر هر سال، برای ابلاغ مقدرات عالم، در همه امور نازل می شوند. این میهمانان الهی، میزبان الهی را می طلبند که خلیفه الله در روی زمین و واسطه فیض الهی باشد.

**ج)** این مطلب که نزول فرشتگان در شب قدر به جهت ابلاغ درود و سلام خدا به بندگان صالح خدا یا به دلیل استغفار برای آنان در این شب بسیار با عظمت است و مانند این سخنان، هرگز با تعبیر «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» سازگاری ندارد، افزون بر اینکه قرآن ما را به تبیین معصومان ارجاع می دهد<sup>۴</sup> و بیش از یک صد روایت در تفاسیر روایی مانند نور الثقلین، البرهان، صافی و... ذیل این سوره آمده که امام زمان علیه السلام؛ صاحب شب قدر، واسطه فیض الهی<sup>۵</sup>، هادی امت<sup>۶</sup>، اولی الامر<sup>۷</sup>، نعمت الهی<sup>۸</sup> ماء معین و بقیه الله<sup>۹</sup> است.

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ السَّيِّئُ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَلَاهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أُمَّةٌ مُحَدَّثُونَ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۵۳۲، کتاب الحجّة، ابواب التاريخ، باب ما جاء في الأئمة، ح ۱۱).

۲. «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: فَضَّلَ إِيْمَانَ الْمُؤْمِنِ بِجَمَلَةٍ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ يَتَفَسَّرُهَا عَلَى مَنْ لَيْسَ مِثْلَهُ فِي الْإِيْمَانِ بِهَا كَفَضَّلَ الْإِنْسَانَ عَلَى الْبَهَائِمِ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۲۵۱، کتاب الحجّة، باب في شأننا انزلناه، ح ۷).

یعنی کسی که شب قدر و صاحب آن را شناسد، در واقع امام زمان خود را و «حجّت حق» را شناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. مرگ عصاره حیات است و کسی که مرگش جاهلی باشد؛ یعنی حیاتش جاهلی بوده و بهره‌ای از اسلام و ندارد.

۳. «قال الإمام أحمد بن حنبل: حدثنا يحيى بن سعيد عن عكرمة بن عمار، حدثني أبو زميل سماك الحنفي، حدثني مالك بن مرثد بن عبد الله، حدثني مرثد قال: سألت أبا ذر قلت: كيف سألت رسول الله عن ليلة القدر؟ قال: أنا كنت أسأل الناس عنها قلت: يا رسول الله، أخبرني عن ليلة القدر أ في رمضان هي أو في غيره؟ قال: «بل هي في رمضان» قلت: تكون مع الأنبياء ما كانوا فإذا قبضوا رفعت أم هي إلى يوم القيامة؟ قال: «بل هي إلى يوم القيامة»؛ (تفسير القرآن العظيم، ج ۸، ص ۴۲۹؛ تفسير الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳ ذیل آیه ۴ سوره قدر).

۴. نحل (۱۶)، ۴۴.

۵. فاطر (۳۵)، ۴۱.

۶. یونس (۱۰)، ۳۵؛ رعد (۱۳)، ۷.

۷. نساء (۴)، ۵۹.

۸. لقمان (۳۱)، ۲۰.

۹. لک (۶۷)، ۳۰؛ هود (۱۱)، ۸۶.

## بیست و چهار . تجلی خداوند در جهان آفرینش

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ<sup>۱</sup>

### نکته ها

۱. منظور از آیات آفاقی

در تفاسیر، برای معنای آیات آفاقی چند نظر نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) مراد، آیات قدرت و حکمت حضرت حق است در خلقت آسمان‌ها و خورشید و ماه و کواکب و زمین.

ب) مراد، معجزات صادر شده از پیامبر اکرم ﷺ است.<sup>۲</sup>

ج) منظور، اعجاز قرآن است.<sup>۳</sup>

۲. مراد از آیات انفسی

برخی گفته‌اند مراد از آیات انفسی، آفرینش جسم انسان و نظامی است که بر ساختمان حیرت‌انگیز آن حاکم است و از آن بالاتر، شگفتی‌های روح انسان می‌باشد که هر گوشه آن، کتابی است از معرفت پروردگار و خالق جهان.<sup>۴</sup>

۳. مراد از آیات و تبیین حق، در روایات قیام حضرت مهدی<sup>۴</sup>

در چندین روایت از اهل بیت ع نقل شده است که مراد از ( سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ ... ) آیات و نشانه‌ها و علامت‌هایی است که خداوند، هنگام قیام قائم آل محمد عج به مردم نشان خواهد داد.

در روایت کافی از امام صادق (ع) روایت شده است که ذیل آیه ( سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ ... ) فرمود:

۱. فصلت (۴۱): ۵۳.

۲. اطیب البیان، ج ۱۱، ص ۴۵۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۴. همان.

«منظور، فرو رفتن در زمین و منع شدن و هدف سنگ‌های آسمانی قرار گرفتن است.»  
راوی می‌گوید: «پرسیدم: (حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ) یعنی چه؟» فرمود: «این را فعلاً رها کن. این، مربوط به قیام قائم است.»<sup>۱</sup>

در ارشاد روایت شده است که امام کاظم ع درباره این آیه فرموده است:

### الفتن في الآفاق و المسخ في أعداء الحق؛<sup>۲</sup>

[منظور،] فتنه‌هایی است که در آفاق زمین رخ می‌دهد و مسخی که دشمنان حق را نابود می‌کند.

و در حدیث دیگر نیز این چنین آمده است:

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل:  
(سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ)

قال: «يريههم في انفسهم المسخ، و يريهم في الافاق انتقاض الافاق عليهم، فيرون قدرة الله

عز و جل في انفسهم و في الافاق.»

قلت له: (حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) قال: «خروج القائم هو الحق من عند الله عز و جل يراه

الخلق لا بد منه.»<sup>۳</sup>

ابوبصیر می‌گوید: از حضرت صادق ع پرسیدم درباره گفته خدای متعال (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا...) حضرت فرمود: «آیت در انفسشان، نشان دادن مسخ آنها است و آیت و نشانه در آفاق، ناسازگاری روزگار است؛ تا قدرت خداوند -عز و جل- را هم در نفس خود ببینند و هم در آفاق.»

عرضه داشتم: «منظور از (حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) چیست؟» فرمود: «منظور خروج قائم است و آن، حقی است از سوی خدا. مردم، آن را خواهند دید. و ناچار این اتفاق خواهد افتاد.»

همچنین در کتاب *تأويل الآيات* از امام صادق ع در تفسیر آیه (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) نقل شده است که حضرت فرمود: «آیات در آفاق، سختی‌های روزگار، بر آنها و مراد از آیات در انفس، نابودی با مسخ است؛ تا این که آشکار شود بر آنها که او حق است. منظور از او قائم عج است.»<sup>۴</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۶۱۶.

۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. روضه کافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۵.

۴. کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۴۶۹.

#### ۴. نشانه‌های نزدیک ظهور

در این حدیث، مراد از « تبیین آیات » نشان دادن نشانه‌هایی از جمله سختی‌ها و بلاها و مسخ‌ها در روی زمین، بیان شده است. در احادیث فراوانی از پیامبر ص نشانه‌های زیادی قبل از ظهور و مقارن آن، برای خروج امام عصر عج بیان شده است.

#### ۵. نشانه‌های حتمی ظهور

نشانه‌هایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی عج تحقق خواهد یافت، پنج نشانه است که به آن‌ها علائم حتمی می‌گویند؛ زیرا به طور یقین و حتم، واقع شدنی است.

امام صادق ع می‌فرماید:

«پنج نشانه قبل از ظهور قائم می‌باشد: صیحه ی آسمانی، خروج یمانی، فرو رفتن در سرزمین بیداء، خروج سفیانی، قتل نفس زکیه.»<sup>۱</sup>

#### ع زراره می‌گوید:

از امام صادق شنیدم که فرمود: « قائم ما پیش از قیام خود، غیبتی طولانی خواهد داشت.» عرض کردم: «چرا؟» فرمود: «اگر ظاهر باشد او را می‌کشند»؛ پس فرمود: «ای زراره! او است که انتظارش را می‌کشند و مردم، در ولایتش شک می‌کنند؛ برخی می‌گویند: پدرش از دنیا رفته و فرزندش از خود به جای نگذاشته است؛ بعضی می‌گویند: در شکم مادرش است؛ گروهی می‌گویند: غایب است؛ دسته‌ای می‌گویند: به دنیا نیامده و عده‌ای می‌گویند: دو سال، قبل از وفات پدرش به دنیا آمده است. همان، موعود منتظر است؛ ولی خدای می‌خواهد شیعیان را بیازماید و در این آزمایش دشوار، باطل‌گرایان دچار تردید می‌شوند.»

به امام صادق (ع) عرض کردم: «فدایتان شوم! اگر من در آن زمان بودم، چه کنم؟» فرمود: «اگر آن زمان را درک کردی، پیوسته دل به این دعا مشغول دار: **اللهم! عرفنی نفسک فانک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک. اللهم! عرفنی رسولک فانک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک. اللهم! عرفنی حجتک فانک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.**»<sup>۲</sup>

۱. موعودنامه، ص ۷۳۲.

۲. امام مهدی، موجود موعود، ص ۶۵-۶۶.

## بیست و پنج . هدف از قیام (آثار قیام)

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ<sup>۱</sup>

### نکات تفسیری

#### ۱. جهاد برای احقاق حق

در ادیان الهی و دین سراسر افتخار اسلام، هدف از جنگ و جهاد، کشورگشایی نیست؛ بلکه احقاق حق است؛ لذا نخستین آیه‌ای که درباره‌ی جنگ با مشرکان نازل شد، به خوبی هدف از جنگ را بیان می‌فرماید:

و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید و [از حد] تجاوز نکنید؛ چرا که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.<sup>۲</sup>

عبارت «فی سبیل الله» هدف اصلی جنگ‌های اسلامی را بیان می‌نماید در آیه مورد بحث نیز هدف از جهاد را احقاق حق اعلام می‌کند، یعنی توحید و دین کامل اسلام محقق شود و تثبیت گردد؛ پس هدف از جنگ در اسلام برپایی حق و ابطال باطل است.

#### ۲. منظور از احقاق حق و ابطال باطل چیست؟

کلمه «حق»، مقابل باطل است. حق، به معنای ثابت العین و باطل به معنای چیزی است که عین ثابتی ندارد و خود را به شکل حق جلوه می‌دهد تا مردم آن را حق پندارند خداوند متعال در قرآن، نمونه‌های زیادی برای حق و باطل بیان کرده است؛ اعتقادات مطابق واقع را حق و آنچه مطابق واقع نیست را باطل معرفی کرده....<sup>۳</sup>

قرآن کریم در این آیه، احقاق حق را از سنت‌های جاری الهی می‌داند؛ یعنی گسترش حق، اجرای احکام الهی، نجات بشر از خرافات و تباهی‌های فکری، و ابطال باطل یعنی بطلان رسوم و عادات جاهلی، ریشه‌کن کردن بت‌پرستی و هوا پرستی، ریشه‌کن کردن شرک و بی‌ایمانی و ظلم و تباهی از برنامه‌های خداوند در جریان تاریخ و حوادث آن است.

#### ۳. حکومت حضرت مهدی و تحقق این آیه

برخی روایات، مصداق روشن این آیه را زمان ظهور حضرت مهدی 4 دانسته‌اند. جابر از امام باقر ع روایت می‌کند که فرمود:

<sup>۱</sup>. انفال (۸): ۸.

<sup>۲</sup>. بقره (۲): ۱۹۰.

<sup>۳</sup>. برگرفته از: ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۸.

... اما سخن خدا: **(لِيُحِقَّ الْحَقَّ)** معنایش این است که: خدا زمان قیام قائم عج، احقاق حق آل محمد : می‌کند، و أما **(يُبْطِلُ الْبَاطِلَ)**، یعنی: خداوند به وسیله قائم عج آن‌گاه که قیام کند [آثار و سنت‌های باطل] بنی‌امیه را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

### پیام‌ها

۱. اراده الهی بر احقاق حق و ابطال باطل است و خداوند برای اجرای این اراده مقدمات آن را فراهم کرده است **(لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ)**.
۲. حق و باطل با هم جمع نمی‌شوند و پیوسته درگیرند **(لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ)**.
۳. وعده‌های الهی به هدف کسب منافع شخصی و مادی افراد نیست؛ بلکه برای تحقق حق و محو باطل است **(لِيُحِقَّ الْحَقَّ)**.<sup>۲</sup>
۴. حق، ماندنی و پابرجا است و باطل، فانی و رفتنی **(لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ)**.<sup>۳</sup>
۵. آخرالزمان ظرف ظهور کامل حق بر باطل به دست حضرت مهدی عج است (با توجه به روایات).

---

<sup>۱</sup>. تفسیر راهنما، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ کنزالدقائق، ج ۵، ص ۲۸۶.

<sup>۲</sup>. تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۷۹.

<sup>۳</sup>. همان.



## بیست و شش . نابودی فتنه

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>۱</sup>

## نکات تفسیری

### ۱. هدف از جنگ و جهاد چیست؟

یکی از شبهاتی که مطرح است، این که چرا اسلام مسلمانان را به جنگ و قتال تشویق می‌کند؟

اسلام دین منطق است و بشر را به تفکر و تدبر و صلح دعوت می‌کند. و دینی را که با غلبه و زور بر مردم تحمیل شود، قبول ندارد؛ لذا می‌فرماید: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)<sup>۲</sup>؛ یعنی دین را نمی‌شود به اجبار بر مردم تحمیل کرد؛ زیرا دین، یک امر قلبی است و مردم باید خودشان با طوع و رغبت بپذیرند و با دلایل عقلی، استدلالش را قبول کنند.

اسلام، ابتدا تلاش می‌کند مانع جنگ و خونریزی شود؛ ولی آن‌جا که موجودیت امتی به خطر می‌افتد یا اهداف والا و مقدس، در معرض سقوط قرار می‌گیرد، جنگ یک ارزش و به عنوان «جهاد فی سبیل الله» مطرح می‌شود.

### ۲. گسترش دین الهی در زمان ظهور

آیه فوق دلالت می‌کند که باید با شرک و بت‌پرستی و کفر و بی‌دینی مبارزه شود و دین، مخصوص خدا گردد. دین الهی، در سراسر زمین گسترش پیدا کند و هیچ مشرکی روی زمین نماند، مگر این که کشته شود یا در دین اسلام داخل شود. در روایات اهل بیت ع آمده است که این آیه هنوز محقق نشده و در عصر ظهور، محقق خواهد شد.

زراره از امام صادق (ع) روایت کرد که حضرت فرمود:

هنوز تأویل این آیه نیامده است و اگر قائم ما قیام کند، به زودی کسانی که او را درک می‌کنند، تأویل این آیه را می‌بینند. حتماً دین محمدی، آنچه را که شب می‌پوشاند فرا خواهد گرفت. تا این که در سراسر زمین، شرکی نخواهد ماند. همان گونه که خداوند می‌فرماید: «يَعْبُدُونِي وَ لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»<sup>۳</sup>

۱. انفال (۸): ۳۹.

۲. بقره (۲): ۲۵۶.

۳. تفسیر کنزالدقائق، ج ۵، ص ۳۴۲.

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر ع خواستم درباره این سخن خدای عزوجل: «با آنان بجنگید، تا آن که فتنه‌ای باقی نماند» توضیح دهد. فرمود:

تأویل این آیه هنوز نیامده است. همانا رسول خدا ص به بعضی از خواص اصحابش اجازه داد به این آیه عمل کنند. پس زمانی که تأویل آن بیاید، از کافران هیچ عذری پذیرفته نخواهد شد؛ بلکه آنان کشته می‌شوند تا این که خداوند، به توحید یاد شود و هیچ شرکی باقی نماند.<sup>۱</sup>

آلوسی، از مفسران بزرگ اهل سنت در ذیل این آیه می‌گوید:

مقصود آن است که همه ادیان باطل از بین برود؛ یعنی اهل ادیان یا از بین رفته و هلاک شوند یا از ترس و امور دیگر، به دین اسلام بازگردند. گفته شده که تأویل آیه تا کنون محقق نشده است و هنگام ظهور مهدی عج، تأویل آن خواهد آمد. در آن عصر، هیچ مشرکی روی زمین باقی نخواهد ماند.<sup>۲</sup>

## پیام

گسترش اسلام و محو شرک، از اهداف جهاد در اسلام است (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ).

## بیست و هفت . سوره مبارکه «عصر»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی، حیات است. با سرمایه عمر است که می‌توان به بالاترین درجات صعود کرد و حتی از فرشتگان سبقت گرفت<sup>۳</sup> و این فرصت تا وقتی است که از این نعمت برخورداریم.

این سرمایه محدود است. و هر لحظه و ثانیه‌ای که بر ما می‌گذرد، از آن کاسته می‌شود. به بیان نورانی امیرالمومنین علیه السلام: «هر نفس انسان، قدمی او را به اجل نزدیک می‌کند.»<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴ به نقل از موعودشناسی، ص ۵۴۴.

۳. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند در فرشتگان عقل قرار داده است بدون شهوت و در چهارپایان شهوت قرار داده است بدون عقل و در انسان هر دو را قرار داده است؛ پس کسی که عقلش بر شهوتش غلبه کند، از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان بدتر است»؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴. «نفس المرء خطاه إلى أجله»؛ نهج البلاغه، حکمت ۷۴.

یکی از مفسران می‌گوید: من معنای این سوره را وقتی فهمیدم که در هوای گرم، یخ‌فروشی با صدای حزین فریاد می‌زد: «به کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود، رحم کنید»<sup>۱</sup>؛ یعنی بیایید و یخ مرا بخرید تا خسارت نکنم.

هدف در این بخش، شرح و بسط محتوای سوره «عصر» نیست، بلکه هدف، نگاهی گذرا از منظر مهدویت به سوره مزبور است که در دو مرحله به آن پرداخته می‌شود.

### مرحله اول: از دیدگاه روایات

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَالْعَصْرِ﴾ یعنی (قسم به) زمان قیام حضرت قائم. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ یعنی دشمنان ما در خسر و زیان هستند (یعنی با قیام حضرت، دشمنان حق نابود خواهند شد). ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی مگر کسانی که به آیات خداوند ایمان بیاورند. ﴿وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی درباره برادران دینی خود مواسات و هم‌دلی داشته باشند. ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾ یعنی امامت همدیگر را توصیه کنند. ﴿وَتَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ﴾ یعنی درباره عترت و پای‌بندی به آن، استقامت داشته باشند.<sup>۲</sup>

طبق این بیان، خداوند متعال به زمان ظهور قَسَمَ یاد کرده است. شاید یکی از نکات این قَسَم این باشد که سیره حق تعالی تا قبل از ظهور ولّیش و در برنامه‌ای که برای انبیا و اولیا علیهم السلام مقرر کرده بود، مدارا و اتمام حجت بر دشمنان بود؛ اما با قیام حضرت دیگر فضایی برای دشمنان دین و مستکبران عالم باقی نمانده و او جلوه «أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقِمَةِ»<sup>۳</sup> خواهد بود و به دست حضرتش، نتیجه ظلم و ستم را خواهند چشید و نابود خواهند شد.

### مرحله دوم: تحلیل بخش پایانی سوره

چرا برای نجات از خسران، به جمله: «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» اکتفا نشد، با این که همه اعمال خیر در این تعبیر داخل است؟

سرّ جمله: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» که ذکر خاص بعد از عام است، این است که در مواردی حق و باطل مشتبه می‌شوند؛ که از سویی تشخیص حق از باطل و از سوی دیگر، پای‌بندی به آن مشکل خواهد بود. در چنین شرایطی ممکن است از سان، تمام سرمایه‌های

<sup>۱</sup> «و عن بعض السلف: تَلَمَّتْ مَعْنَى السُّورَةِ مِنْ بَائِعِ الثَّلْجِ كَمَا بَصِيحٌ وَ يَقُولُ: اِرْحَمُوا مَنْ يَذُوبُ رَأْسُ مَالِهِ، اِرْحَمُوا مَنْ يَذُوبُ رَأْسُ مَالِهِ فَقُلْتُ: هَذَا مَعْنَى إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَمُرُّ بِهِ الْعَصْرُ فَيَمُضِي عُمُرُهُ وَ لَا يَكْتَسِبُ إِذَا هُوَ خَاسِرٌ.»؛ فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۳۲، ص ۲۷۸.

<sup>۲</sup> عن الفضل بن عمر قال: سألت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام عن قول الله عز و جل: ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ قال: الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» يعني أعداءنا «إلا الذين آمنوا» يعني بآياتنا و «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» يعني بمواساة الإخوان و «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» يعني الإمامة و «تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» يعني بالعتره؛ عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶.

<sup>۳</sup> فرازی از دعای افتتاح.

معنوی خود را ببازد و دچار خسران جبران ناپذیری گردد. تاریخ، نمونه‌های فراوانی از آن به خود دیده است

## موارد مشتبه شدن حق و باطل عبارتند از:

### ۱. در اقلیت قرار گرفتن حق

به بیان قرآن مجید، اقلیت و اکثریت هرگز دلیل حق و باطل نیست؛ خداوند متعال در قرآن، ۶۷ بار اکثریت را با تعابیری مانند: «اکثرهم لا يعلمون»، «لا یعقلون»، «لایشکرون» «لایؤمنون» و امثال آن نقد کرده است.

این تعابیر به این معنا نیست که همیشه اکثریت بر باطل است، بلکه بدین معناست که باید حق را شناخت و مدافع و مطیع آن بود، گرچه پیروان آن در اقلیت باشند. توصیه قرآن مجید این است که: «سست نشوید و غمگین نگردید! و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید»؛ یعنی با قدرت و نیروی ایمان می‌توان بر باطل غالب شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «هرگز در مسیر حق به خاطر کمی اهلیش (در اقلیت بودن)، به وحشت نیفتید.»<sup>۲</sup>

### ۲. وجود افراد سرشناس و با سابقه درخشان در جبهه باطل

این مورد در در جنگ جمل اتفاق افتاد. شخصی نزد حضرت آمد و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مگر می‌شود جبهه مقابل بر باطل باشند، در حالی که میان آنان صحابه بزرگی مثل طلحه و زبیر و شخصیتی مثل عایشه وجود دارند؟! حضرت فرمودند: تو مردی هستی که حق بر تو مشتبه شده است. دین خدا را با معیار شخصیت‌ها و سابقه آنها نمی‌توان شناخت، بلکه باید نشانه حق را یافت؛ پس حق را بشناس، تا اهل آن را بشناسی.<sup>۳</sup>

### ۳. دوران غیبت ولی خداوند

سابقه و پیشینه غیبت حجّت‌های الهی نشان می‌دهد که بسیاری از منتظران در دوران غیبت حجّت الهی، حق را گم کرده و یا در پای‌بندی به آن دچار مشکل شدند، همان گونه که درباره غیبت امام زمان علیه السلام کمتر روایتی داریم که از این دوران خبر داده باشد و چنین هشدار نداده باشد.<sup>۴</sup>

۱. آل عمران، آیه ۱۳۹.

۲. «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْجِبُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلْبِهِ أَهْلَهُ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.

۳. «فَأَنَّكَ أَمْرٌ مَلْبُوسٌ عَلَيْكَ إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يَعْرِفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِأَيِّهِ الْحَقُّ فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ»؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۷۸.

۴. محمد بن علی بن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۷؛ باب ۲۶، ح ۱، ۱۵، ۱۶؛ باب ۳۰، ح ۳؛ باب ۳۱، ح ۸، ح ۲؛

باب ۱، ح ۲۴، ح ۲۵...

توصیه به حق در این دوران چیست؟

شیخ صدوق، کتاب ارزشمند *کمال الدین و تمام النعمه* را به توصیه امام زمان علیه السلام با همین انگیزه نوشتند. حضرت فرمودند: «کتابی بنویس و در آن از غیبت انبیا یادآوری کن، تا مردم بدانند امامشان اولین کسی نیست که غایب شده است.»<sup>۱</sup>

در روایات متعددی بیان شده است که این غیبت، آزمونی است برای مردم تا مؤمنان راستین مشخص شوند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم، آنچه به آن چشم دوخته‌اید (فَرَج)، نخواهد بود تا این که غربال شوید. به خدا قسم، آنچه به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد بود تا این که خالص شوید (کوره امتحان، شما را خالص کند).

در چنین شرایطی:

- عده‌ای هم‌رنگ جماعت می‌شوند.

- عده‌ای بی‌تفاوت شده، در گوشه‌ای می‌خزند و سرگرم کارهای روزمره خود می‌شوند.

— و عده‌ای شرایط موجود را تحمل نمی‌کنند و خود سرانده دست به اقداماتی می‌زنند، که گاهی خسارت آن برای دین، کمتر از کار دشمنان نیست؛ در حالی که به بیان نورانی امیرالمومنین علیه السلام: «در هر حرکت و اقدامی، نیاز به آگاهی و شناخت است.»<sup>۲</sup>

توصیه و سفارش همدیگر به حق و پایبندی به آن، وظیفه همه منتظران است. توصیه به این‌که:

— قرآن نقشه راه زندگی و راهنمای سعادت و خوش‌بختی دنیا و عقبی و شفای دردهای بی‌درمان است. از آخرین سفارش‌های حضرت امیر علیه السلام این بود که: «دیگران در عمل به قرآن از شما سبقت نگیرند.»<sup>۳</sup>

— خداوند در هر زمان هادی‌ای قرار داده، که هم راه است و هم راهنما. ما باید با تمام توان به این ریسمان الهی چنگ بزنیم و با مال و جان خود، از این اعتقاد محافظت کنیم.<sup>۴</sup>

۱- *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۳، مقدمه مؤلف.

۲. «وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُتَرَبَّلُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشَقَى مَنْ يَشَقَى وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ» کافی، ج ۱، کتاب الحجَّة، باب التَّمَحْيِصِ.

برای اطلاع از سایر روایات رک: کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، کتاب الحجَّة، باب التَّمَحْيِصِ؛ همان، باب فی الغیبیَّة و منتخب الأنوار المصنَّیَّة، ص ۸۲، فصل ششم.

۳. «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۸.

۴. «وَاللَّهِ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ» نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۵. دلیل آن آیاتی مانند آیه ۷ سوره رعد، آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث غدیر، ثقلین، منزلت و دهها دلیل عقلی و نقلی دیگر است.

— در این دوران باید مراقب بود که بت بزرگِ مدگرایی و چشم و هم‌چشمی و و سو سه شرکت در مسابقه رفاه و تجمل، دین و ایمان را نابود نسازد، بلکه با یاد خدا و پذیرای فرمان الهی بودن، خود را بیمه کنیم.

— سختی پای‌بندی به ارزش‌های دینی و تمسخر دیگران سبب نشود از مرکب صبر پیاده شده و از راه مانده و جزء زبان‌کاران شویم.

— با صداقت، امانت‌داری، انصاف، رحم و مروت و درست‌کاری، مایه زینت امام زمانمان بوده و با یاری همدیگر و حل مشکلاتِ دیگران، زمینه رضایتش را فراهم کنیم.

— با اطاعت از «ولی فقیه» و تلاش در جهت زمینه‌سازی ظهور، لیاقت و شایستگی خود را برای یاری‌شان ثابت کنیم.

— یادمان باشد گناه، به ویژه مال حرام، ما را از خداوند دور می‌کند و بین ما و امام زمانمان جدایی می‌اندازد؛ همان‌گونه که کوفیان را از امامشان جدا ساخت و دچار خسران شدند.

حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی، از تشنّت و تفرقه و کارهای ناپسند شیعیان گلایه کرده و فرمودند: «آن‌چه از کارهای ناشایستِ آنان به ما می‌رسد، ما را از آنان جدا کرده است.»<sup>۱</sup>

### بیست و هشت . حضرت مهدی علیه السلام و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

و لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا<sup>۲</sup>

#### نکته‌ها:

۱. قتل نفس و آدم‌کشی از گناهان کبیره است
۲. در روایات، یکی از مصادیق «ولی» در آیه مورد نظر، حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است؛ چراکه انتقام جدّ عزیزش، امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت. امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه (و مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا...) فرمود: «منظور این آیه، امام حسین علیه السلام می‌باشد؛ زیرا آن بزرگوار مظلومانه شهید شد و ما امامان خون‌خواه آن حضرت هستیم. هنگامی که قائم ما خاندان قیام کند، خون امام حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد.»<sup>۳</sup>

۱. «و لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِيهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِنُوا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. وقتی امام زمان علیه السلام و یارانش قیام کنند، شعار انقلابشان این خواهد بود: «یا لثارات الحسین»، یعنی ما آمده‌ایم انتقام خونی که از امام حسین علیه السلام ریخته شد را بگیریم.<sup>۱</sup>

۴. امام زمان علیه السلام انتقام شهدا را می‌گیرد. در دعای ندبه می‌گوییم: «این طالب بدم المقتول بکربلا»،<sup>۲</sup> کجا هستی ای کسی که می‌آیی و انتقام خون امام حسین علیه السلام را می‌گیری؟ حدیث داریم که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي»؛<sup>۳</sup> من توسط حضرت مهدی علیه السلام از دشمنانم انتقام می‌گیرم.

۵. خداوند پیامبر اسلام ص و دیگر پیامبران علیهم السلام را برای برخوردار ساختن انسان‌ها از رحمت خود در دنیا و آخرت مبعوث کرد. اوصیا و جانشینان پیامبر ص نیز ادامه دهنده راه آن حضرت هستند.

امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام نیز جلوه‌ای از رحمت گسترده پروردگار برای همه انسان‌ها، به ویژه برای شیعیان و معتقدانش است. در زیارت آل‌یاسین — که از زیارت‌های امام زمان علیه السلام می‌باشد — ایشان را «الرحمة الواسعة»<sup>۴</sup> می‌خوانیم

۶. در حدیثی از جابر، صحابی پیامبر ص، از امام زمان علیه السلام با عنوان «رحمة للعالمین» یاد شده است.<sup>۵</sup> آن امام، ذخیره خداوند برای آینده جهان و واسطه لطف و رحمت او در زمین است. خود ایشان در نامه‌ای خطاب به یکی از نمایندگان خاص خود در زمان غیبت صغری فرمود: «من موجب امان و آرامش اهل زمین هستم»<sup>۶</sup> و در جای دیگری فرمود: «وَلَا نَأْسِینَ لِدِكْرِكُمْ»<sup>۷</sup> ما لحظه‌ای شما را فراموش نمی‌کنیم».

۷. شمشیر امام زمان علیه السلام برای کسانی کشیده خواهد شد که جز منطق زور، چیز دیگری نمی‌فهمند.

۸. در روایت آمده است که امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند: «يَخْرُجُ بِالسَّيْفِ» شمشیر یا رمز و نماد خاصی است یا به معنی جنگ عادلانه است؛ چراکه جنگ با غیر شمشیر، عادلانه نیست. جنگ واقعی، جنگ تن‌به‌تن است. مراد از این که امام زمان ۴ با شمشیر ظهور می‌کند، این است که ایشان با عقل و شناخت و انصاف خواهند جنگید.

۱. الأملی، صدوق، ص ۱۳۰.

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۱.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۶. الغیبه، طوسی، ص ۲۹۲.

۷. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

## بیست و نه ایام الله (روزگار در عصر ظهور)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

### نکات تفسیری

#### ۱- مراد از ایام الله

ایام الله، همه روزهایی هستند که در تاریخ زندگی بشر عظمتی دارند. هر روز که یکی از فرمان های خدا در آن، چنان درخشیده است که بقیه امور را تحت شعاع خود قرار داده، از ایام الله است. هر روز که فصل تازه ای در زندگی انسان گشوده و درس عبرتی به آن ها داده، ظهور و قیام پیامبری در آن بوده یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن به قعر دره نیستی فرستاده شده و خلاصه هر روز که حق و عدالتی بر پا شده و ظلم و بدعتی نابود گشته، همه از ایام الله است، لذا در روایات امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر آیه نیز بر روزهای حساس و سرنوشت ساز، انگشت گذاشته شده است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: ایام الله یوم یقوم القائم علیه السلام و یوم الکره و یوم القیامه؛ (نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶، ح ۷)

#### ۲. یگانه منجی عالم بشریت

در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان ها از ظلمات به سوی نور هدایت می شوند و عدالت به طور کامل برقرار می شود. پر سشی که اینجا پیش می آید، این است:

چرا خداوند اجرای عدالت موعود را بر عهده پیامبران و امامان پیشین نگذاشت؟ چرا پیامبران و امامان قبلی هم که هدفشان اجرای عدالت در زمین بود، به این امر موفق نشدند؟ باید توجه داشت که خداوند برای هر امتی، متناسب با شرایط همان امت پیامبرانی فرستاده است؛ ولی هیچ پیامبری در اجرای برنامه هایش به طور کامل، موفق نبود و نتوانست حکومت عدل فراگیر تشکیل دهد؛ زیرا مردم عصر شان استعداد پذیرش حکومت عدل فراگیر را نداشته اند. هنگامی که پیامبران الهی مبعوث می شدند و مردم را به پرستش خدای یگانه و اطاعت از دستور های او و بیزاری از بت ها دعوت می کردند، عموماً با انکار و مخالفت مردم مواجه می شدند. خداوند در این باره می فرماید:

(ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ؛ (مؤمنون (۲۳): ۴۴)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای [هدایت] قومی می آمد، او را تکذیب می کردند.



فرمانروایان و ثروتمندان جامعه که فریفته مال و مکتب یا علم و دانش خود بودند، سر سخنانه کمر بر مبارزه با پیامبران می بستند و بسیاری از دیگر قشرهای جامعه را به دنبال خود می کشاندند و از پیروی راه حق باز می داشتند. خداوند از آنان نقل می کند که روز قیامت می گویند:

(وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا)؛ (احزاب (۳۳): ۶۷)

و می گویند: «پروردگارا ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم؛ پس ما را گمراه ساختند.» در این میان، فقط گروهی اندک که غالباً از محرومان جامعه بودند، به انبیای الهی ایمان می آوردند و کمتر اتفاق می افتاد که جامعه ای بر پایه عقاید صحیح و موازین عدل و قسط و مطیع فرمان خدا و پیامبران تشکیل شود. البته بخش هایی از تعالیم انبیاء، به تدریج در فرهنگ جوامع نفوذ می کرد و مورد اقتباس قرار می گرفت.

هدف اول بعثت انبیاء، ایجاد شرایط رشد و تکامل انسان و کمک به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد بوده است. همه انبیای الهی، در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خداپرستی و گسترش عدل در سرا سر زمین بوده اند و هر کدام در حد توان، قدمی در این راه برداشته اند. بعضی توانستند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاص، حکومت الهی را برقرار کنند؛ ولی برای هیچ یک، شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم نشد. فراهم نشدن چنین شرایطی، به معنای نارسایی تعالیم الهی نیست؛ زیرا هدف الهی، فراهم شدن زمینه و شرایط برای حرکت اختیاری انسان و انتخاب اختیاری حق یا باطل از سوی انسان است، نه الزام و اجبار مردم به پذیرفتن دین حق؛ به همین دلیل حضرت محمد ﷺ و سلم و امامان بعد از آن حضرت که وظیفه تاباندن شعاع عدالت بر همه جهان و دعوت به اسلام را داشتند، به سبب فراهم نبودن شرایط روحی و فکری مردم، نتوانستند حکومت عدل فراگیر را در همه گیتی ایجاد کنند.

بر اساس روایات و احادیث اسلامی، شرایط پذیرش حکومت عدل جهانی و تحول فکری مردم که بستگی به تکامل عقول، پیشرفت اخلاق، معنویت و شکوفایی علم و دانش دارد، فقط در عصر ظهور امام عصر ﷺ فراهم می شود.

اکنون برای تبیین بیشتر بحث، برخی روایات را که به بازگویی اوضاع و احوال مردم و جوامع انسانی در عصر ظهور امام مهدی ﷺ می پردازند، ذکر می کنیم:

الف) امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عَقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ (بحار

الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸ و ۳۳۶)

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دستش را بر سر بندگان قرار می دهد و از این طریق، عقل های مردم، متمرکز می شود و تکامل می یابد.

یعنی چون امام زمان علیه السلام دستورهای اسلام را به طور کامل اجرا می کند، باعث رشد فکری مردم می شود و هدف پیامبر صلی الله علیه و آله که به کمال رساندن اخلاق مردم بود، تحقق می یابد. (چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۲۰۷)

ب) تحقق انقلاب جهانی، وسایل و ابزارهایی لازم دارد که بدون تکامل صنایع، امکان پذیر نیست. احادیث، نوید می دهد که در عصر ظهور امام علیه السلام صنایع به حدی تکامل می یابد که جهان، حکم یک شهر را پیدا می کند و افرادی که در خاور زندگی می کنند، کسانی را که در باختر زندگی می کنند، می بینند و سخنان آنان را می شنوند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إن المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری أخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری أخاه الذی فی المشرق؛ (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، باب ۲۷، ح ۲۱۳)

در زمان قائم علیه السلام مؤمنی که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می کند، می بیند و همچنین آن کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.

در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام مطلب به طور روشن تر بیان شده است:

إن قائمنا إذا قام مد الله لشبعتنا فی أسماعهم و أبصارهم حتی لا یكون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه؛ (کافی، ج ۸، ص ۲۴۰، ح ۳۲۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، باب ۲۷، ح ۷۲)

آن گاه که قائم ما قیام می کند، خداوند به دیدگان و گوش های پیروان ما قدرت می بخشد، تا آن جا که میان آنان و رهبرشان فاصله ای باقی نمی ماند؛ او، با آنان سخن می گوید و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند؛ در حالی که او در جای خود قرار دارد.

شاید وجود رسانه های ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، اینترنت، ماهواره و ... در توجیه و فهم این حدیث، بتواند ما را یاری کند و ما بتوانیم همین ها را یکی از شرایط ظهور امام مهدی علیه السلام به شمار آوریم.

ج) انسان ها، در صورت تجربه حکومت های مختلف و روش های گوناگون اجتماعی، به نقاط ضعف و قوت هر حکومت و نظام سیاسی و اجتماعی پی می برند؛ برای همین، خداوند، این فرصت را به آنان می دهد تا با انتخاب و اختیار خود، نظام های سیاسی و اجتماعی مختلف را بیازمایند، تا با شناخت کامل از ضعف و نارسایی حکومت های بشری، آمادگی و زمینه جهانی برای حکومت بر حق امام زمان علیه السلام به وجود آید.

امام باقر علیه السلام در روایتی می فرماید:

دولتنا آخر الدول و لن یبق أهل بیت لهم دولة إلا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا اذا رأوا سیرتنا اذا ملکنا سرنا مثل سیره هولاء و هو قول الله عز وجل ((والعاقبه للمتقین))؛ (الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، ح ۵۸)

حکومت ما، آخرین حکومت است و هیچ خاندانی که قدرت حکومت دارند، نمی مانند مگر این که قبل از ما به حکومت می رسند. این از آن رو است که بعداً هنگامی که روش و سیره ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، مانند این ها رفتار می کردیم و این، قول خداوند است که می فرماید: [سرانجام، از آن پرهیزکاران است]. (اعراف (۷): ۱۲۸؛ قصص (۲۸): ۸۳) در پایان، ذکر این نکته لازم است که خداوند با آن که قادر مطلق است، حکیم نیز هست؛ به همین دلیل، کارها را با اسباب انجام می دهد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ...؛ خداوند، از این که کارها را بدون اسباب انجام دهد، ابا دارد. به همین دلیل، برای هر سببی، شرحی قرار داده و برای هر شرحی، علمی قرار داده و برای هر علمی، باب ناطقی قرار داده است که هر کس بخواهد، می شناسد و هر کس خود را به نادانی بزند، نمی شناسد و آن باب ناطق رسول خدا ﷺ و ما هستیم. (کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، باب معرفه الامام، ح ۷؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۰، باب ۱۴، ح ۱۴)

نتیجه این که چون بر پایی حکومت عدل و فراگیری حکومت الهی، مستلزم آمادگی انسان است، خداوند فراهم شدن این بستر را به صورت طبیعی انجام می دهد و اگر یکباره بخواهد چنین شرایطی را آماده کند، مستلزم جبر و الزام انسان خواهد شد و مجبور کردن انسان با عدل الهی سازگار نیست. این آمادگی در زمان رسول خدا ﷺ و امامان معصومین (علیهم السلام) تحقق نیافت و طبق روایات، این شرایط، فقط در عصر ظهور امام عصر (عجل الله فرجه) فراهم می شود و اکثریت قاطع مردم، انقلاب بزرگ مهدی (عج) را می پذیرند.

## پیام ها

۱. ایام الله ایامی با اهمیت و شایسته ی به خاطر سپردن هستند (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ). (تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۲۳ - ۲۲)
۲. برخی ایام، در مقایسه با برخی دیگر، دارای اهمیت و جایگاهی ویژه اند (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ).
۳. همه روز ها، روز خدا است؛ اما روز تجلی قدرت خداوند، حساب دیگری دارد (بِأَيَّامِ اللَّهِ). (همان)
۴. هر گونه جشن یا سوگواری و مراسم ویژه ای که بزرگداشت ایام الله باشد، جایز است (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ) بر خلاف نظریه فرقه منحرف وهابیت. (تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۶۱)
۵. مؤمن در سختی، صابر است و در رفاه، شاکر (صَبَّارٌ شَكُورٌ). (همان)
۶. صبر پیشه کردن برابر مشکلات و بلاها و شکرگزاری نعمت های الهی، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا است (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ). (همان)

## سی: رکن شدید

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (هود (۱۱): ۸۰)

## نکات تفسیری

### ۱- مراد از ((قُوَّة)) و ((رُكْنٍ شَدِيدٍ)) چیست؟

قوم لوط، به دنبال فرشتگانی آمدند که برای عذاب فرستاده شده بودند و حضرت لوط علیه السلام، به هر ترفندی خواست آن ها را از درخواست شومشان منصرف کند، قانع نشدند. حتی به آن ها پیشنهاد کرد دخترانش را به عقد خود در آورند؛ اما آنان گفتند: «ما به دختران تو احتیاجی نداریم.» حضرت لوط که قدرت مقابله با این قوم فاسد را نداشت، آرزو کرد: ای کاش دارای نیرو و قدرتی بودم و می توانستم برابر شما مقاومت کنم. امام صادق علیه السلام می فرماید: مراد لوط از «قوه» قائم آل محمد علیهم السلام است و مراد از «رکن شدید» ۳۱۳ تن از یاران او است (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۳)

در نقل دیگری ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

معنای گفتار لوط که گفت: «ای کاش برای مبارزه با شما قدرت و نیرویی داشتم یا به پناهگاهی استوار مأوی می گرفتم» چیزی نیست مگر این که آرزو کرد ای کاش قدرتی مثل قدرت قائم آل محمد علیهم السلام را داشتم و یاد نکرد، مگر قدرت یاران آن حضرت را؛ چرا که هریک از اصحاب حضرت، قدرت چهل مرد را دارد و قلوبشان از پاره های آهن محکم تر است. اگر به کوهی از آهن عبور کنند آن را از جای برخواهندکند و شمشیر در غلاف نمی کنند، مگر این که خدا راضی شود (کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۰۳)

### ۲- تعداد یاران امام زمان علیه السلام

در روایات، یاران امام زمان، سیصد و سیزده نفر یاد شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش را که پیرامونش گرد آمده اند، به شمار اهل بدر (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲)

این مضمون در روایات زیادی از امامان علیهم السلام به ما رسیده است. در برخی روایات یاران حضرت مهدی علیه السلام ده هزار نفر یاد شده است که تا آنان گرد نیایند، قیام صورت نمی گیرد. در برخی نقل های دیگر، از شماری کمتر و در برخی فزون تر از پیش یاد شده است.

در احادیث دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، به ویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند، چه بسا بتوان گفت: آمارهای یاد شده با یک دیگر تعارض ندارند؛ بلکه در طول یک دیگرند و در مجموع، نشانگر سیر تکاملی یارانند. سیصد و سیزده نفر، نخستین گروندگان هستند که در انتظار ظهور موعود بوده اند. احتمال دیگر این که این سیصد و سیزده نفر فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز، هسته های اصلی نیروها را بر عهده دارند و پس از پیروزی، برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمین های دور و

نزدیک فرستاده می شوند. از این گروه به «نقباء»، «خواص» و «ذخرالله» «تعبیر شده است (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷)

### ۳- ویژگی یاران امام زمان 4

خداجویی، بصیرت و آگاهی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار و مواسات، نظم و انضباط، زهد و ساده زیستی، از ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است. امام صادق علیه السلام درباره یاران آن حضرت می فرماید :

مردانی که گویا دل هاشان پاره های آهن است، غبار تردید در وجود مقدسشان راه ندارد، از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند، برای شهادت دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

از خصوصیات دیگر یاران آن حضرت، بصیرت و آگاهی آنان است. آنان، در بصیرت، درایت و خردمندی سرآمدند. در فتنه هایی که افراد زیرک درمی مانند و از درک درست و تشخیص صحیح راه حق باز می مانند، یاران مهدی علیه السلام حق را از باطل باز می شناسند و در واقع، شیران روزند و نیایشگران شب. روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در آمیخته است. همواره خود را در محضر خدا می بینند و از یاد او لحظه ای غفلت نمی ورزند. امام باقر علیه السلام می فرماید :

گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگریم؛ توشه هایشان به پایان رسیده و لباس هایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی شان نمایان است؛ شیران روزند و راهبان شب. (الملاحم و الفتن، ص ۱۴۹)

از خصوصیات دیگر یاران حضرت، حفاظت از مرزها و حدود الهی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید :

یاران، با این شرایط با امامشان بیعت می کنند که پاک دست باشند و پاکدامن، زبان به دشنام نکشایند و خون کسی را به ناحق نریزند. بر مرکب های ممتاز سوار نشوند و لباس های فاخر نپوشند. ساده زندگی کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند (همان، ص ۲۹۵)

یاران مهدی در شجاعت و دلیری همانند ندارند. جنگاوران میدان های نبردند که دلشان پاره های آهن است و از انبوه دشمن، هراسی به دل راه نمی دهند؛ به طوری که هرکدام از آن ها قدرت چهل مرد دارند. شیران میدان رزمند و جان هایشان از سنگ خارا محکم تر است. امام باقر علیه السلام می فرماید :

گویا آنان را می نگریم که دل های چون پولاد دارند. در هر سو تا مسافت یک ماه راه، ترس بر دل های دشمنان سایه می افکند؛ در سوارکاری و تیراندازی بی نظیرند. در رزمگاه، نشان شجاعان برتن دارند و چونان یاران پیامبر در نبرد بدر، نشانه ویژه بر سر نهاده اند. (همان، ص ۳۴۳)

یاران مهدی علیه السلام عاشق مولای خویشند و در اطاعت مولای خویش، سر از پا نمی شناسند و در انجام دستورهای وی بر یکدیگر پیشی می گیرند. امام حسن عسکری علیه السلام در

سخنانی که آخرین روزهای عمر شریف خود با فرزند بزرگوارش در میان گذاشت. از یاران مخلص مهدی یاد کرده و فرزند را با یاد آن مردان با وفا دلداری داده است :

روزی را می بینم که پرچم های زرد و سفید کنار کعبه به اهتزاز در آمده، دست ها برای بیعت تو پی در پی صف کشیده اند. وجودت را احاطه کرده اند و دست هایشان برای بیعت با تو کنار حجرالاسود به هم می خورد. قومی به آستانه ات گرد آیند که خداوند آنان را از سر شتی پاک و ریشه ای پاکیزه و گران بها آفریده است. به فرمان های دینی فروتنند. سیمایشان به نور فضل و کمال آراسته، آیین حق را می پرستند و از اهل حق پیروی می کنند(همان، ص ۶۳)

آن مؤمنان راستین، دل هایشان را به هم پیوند داده و یار و غمخوار یکدیگرند . گویی یک پدر و مادر آنان را پرورش داده و دل های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است. زهد، زینت کارگزاران مهدی علیه السلام است. زندگی شان از معیشت فقیران فراتر نمی رود. نمی توانند تن به آسایش و شادکامی سپارند و از احوال مردمان غافل شوند و نام مصلح جهان بر خویش نهند؛ چرا که آن که با عشرت طلبان هم سو می شود و دل در گرو آز و طمع می بندد، نمی تواند مروج دین باشد و کارگزاری شایسته برای حکومت عدل و داد به شمار آید. یاران حضرت دارای نظم و تشکیلاتی مناسب با حکومت جهانی اند و کارها را بر اساس اصولی محکم و روشن پیش می برند .

#### ۴- اصناف یاوران امام زمان علیه السلام

خداوند، امام زمان علیه السلام را به وسیله امدادهای غیبی یاری می کند و در این راستا، در دل دشمنانش رعب و ترس ایجاد می کند. در برخی روایات آمده است که خداوند، با ملائکه خود حضرت را یاری می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید :

خداوند، قائم را با سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب [ترس انداختن به دل دشمن]. (همان، ص ۳۵۶)

امام باقر علیه السلام نیز فرمود :

گویی هم اکنون قائم و یارانش را می بینم که جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ وی حرکت می کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آنها به فاصله یک ماه در حرکت است. خداوند، او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می رساند(همان، ص ۳۴۳)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود :

هنگامی که قائم قیام کند، فرشتگان خدمت آن جناب خواهند رسید. یک سوم از آنها بر اسبان سفید و یک سوم بر اسبان ابلق و یک سوم دیگر بر اسبان قرمز سوار می-شوند(همان، ص ۳۵۶)

## پیام ها

- ۱- اگر قدرت، حکومت، تشکیلات و قوای مسلح نباشد، حتی انبیا نیز در جلوگیری از بسیاری از منکرات ناتوانند (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً)
- ۲- اگر می توانیم، باید جلوی فساد را بگیریم، و گرنه باید خود را از محیط فاسد دور کنیم (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي) .
- ۳- گاهی انبیا میان قوم خود شان نیز غریب بودند (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي ... ) . (تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۶۳؛ تفسیر راهنما، ج ۸، ص ۱۶۶)

## سی و یک. اسلام دین جهانی

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (آل عمران (۳): ۸۳)

## نکات تفسیری

### ۱- دین خدا کدام است؟

در آیه شریف می فرماید: (أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ) اما اینکه دین مورد قبول خداوند چیست، در آیات دیگر همین سوره تنها دین مورد پذیرش خداوند را اسلام می داند :  
(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)؛ (آل عمران (۳): ۱۹)  
همچنین می فرماید :  
(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)؛ (آل عمران (۳): ۸۵)  
دین نزد خدای سبحان، یکی است و اختلافی در آن نیست. که آن عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن، و به عقیده های حق معتقد گشتن، و اعمال حق انجام دادن.

### ۲- «طوعا» و «کرها» به چه معنا است؟

آیه می فرماید: هرکس در آسمان و زمین است، تسلیم خدای سبحان است. این تسلیم بودن یا از روی اختیار (طوعا) و یا از روی اجبار (کرها) است. با توجه به اینکه اسلام، دین اجبار نیست چگونه می فرماید: برخی با رغبت و برخی از روی اجبار، تسلیم خداوند می شوند؟ در پا سخ به این پرسش گفته اند: «طوع» یعنی اختیار در مقام تشریح که از روی اختیار تسلیم فرمان خداوند هستند و «کره» یعنی اجبار که در تکوین، تسلیم فرمان خداوند هستند. مؤمنان از روی طوع و رغبت در مقام تشریح، برابر فرامین الهی تسلیم هستند و کافران، از روی طوع و رغبت و در

مقام تشریح، تسلیم نیستند؛ ولی در مقام نظام تکوین، ناچار تسلیم هستند و نمی توانند از دستورات تکوینی الهی سرپیچی کنند .

### ۳- جهانی شدن اسلام در زمان ظهور امام عصر (عج)

چند جای قرآن کریم، بشارت داده شده است که روزی دین حق، جهانی می شود :  
(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (توبه ۹): (۳۳)

امام صادق (ع) می فرماید :

به خدا سوگند! هنوز محتوای این آیه، تحقق نیافته است و فقط زمانی تحقق می پذیرد که «قائم» خروج کند. هنگامی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار نماید، در تمام جهان باقی نخواهد ماند (البرهان، ج ۲، ص ۷۷۰)

بنابراین از ویژگی های زمان ظهور امام عصر (عج) این است که همه تسلیم امر حق خواهند شد و در زمین، کسی باقی نمی ماند، مگر اینکه از روی رغبت یا به ناچار اسلام را اختیار خواهد کرد. در تفسیر عیاشی از عبد الله بن بکیر روایت می کند که گفت: از حضرت ابا الحسن (عج) تفسیر آیه (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) را پرسیدم. حضرت فرمود :

این آیه، درباره قائم نازل شده است؛ هنگامی که بر ضد یهود و نصارا و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند و اسلام را پیشنهاد می نماید؛ هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد نماز بخواند و زکات بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است، بر وی نیز واجب می کند. و هر کس مسلمان نشد، گردنش را می زند، تا آنکه در شرق و غرب عالم، یک نفر غیر مسلمان پیدا نمی شود .

عرض کردم: «قربانت گردم! روی زمین مردم بسیار هستند. چطور قائم 4 می تواند همه آن ها را مسلمان کند یا گردن بزند؟» حضرت فرمود : هنگامی که خداوند، چیزی را اراده کند، چیز اندک را زیاد و زیاد را کم می گرداند . (نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲)

نیز از امام صادق (ع) چنین نقل شده است :

هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی روی زمین باقی نمی ماند، مگر اینکه آن جا صدای «أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن محمدا رسول الله» بلند می شود .

### ۴- چگونگی جهانی شدن حکومت امام عصر (عج)

اینکه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف موفق می شود دین حق را در همه جهان گسترش دهد، به سبب قدرتی است که خداوند، به امام عنایت می کند و همه امکانات در اختیار آن حضرت قرار می گیرد.

امام باقر (ع) می فرماید :



قائم، به وسیله القای رعب در دل های مخالفان، یاری می شود. زمین برای او جمع شده و کنوز آن ظاهر می شود. سلطنت او به شرق و غرب عالم می رسد و دین خداوند بر همه ادیان غالب می گردد. (کنز الدقائق، ج ۵، ص ۴۴۵)

از طرف دیگر، عقول مردم به کمال می رسد و دین الهی را با جان و دل می پذیرند. همچنین می فرماید:

هنگامی که قائم ظهور می کند، دست خود را روی سر مردم می گذارد و بدان وسیله عقول آن ها جمع، و افکارشان کامل می شود (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸)

**سی و دو. نابودی باطل با جلوه گری حق**  
**(کیفیت توسعه حکومت و کارهایی که صورت می گیرد)**  
وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء (۱۷): ۸۱)

## نکات تفسیری

### ۱- ارتباط آیه به قیام مهدی علیه السلام

در بعضی از روایات، جمله (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ) به قیام حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

مفهوم این سخن الهی این است که: اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که قائم [علیه السلام] قیام کند، دولت باطل برچیده می شود. (نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲، ح ۴۰۷ و ص ۲۱۳، ح ۴۱۰)

طبق روایت دیگر، امام زمان علیه السلام هنگام تولد، بر بازویش این جمله نقش بسته بود: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ) (همان).

مسلماً مفهوم این احادیث، انحصار معنای و سیع آیه بر این مصداق نیست؛ بلکه قیام امام زمان علیه السلام از روشن ترین مصداق های آن است که نتیجه اش پیروزی نهایی حق بر باطل در سرا سر جهان می باشد. در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم که روز فتح مکه، وارد مسجد الحرام شد و با عصای خود ۳۶۰- که از قبایل عرب بر گرد خانه کعبه چیده شده بود- را سرنگون ساخت و پیوسته می فرمود: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)

کوتاه سخن این که این قانون کلی الهی و ناموس تخلف ناپذیر آفرینش، در هر عصر و زمان، مصداقی دارد و قیام پیامبر و پیروزی اش بر لشکر شرک و بت پرستی و همچنین قیام امام زمان علیه السلام برستمگران و جباران جهان از چهره های روشن و تابناک این قانون عمومی است (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۵)

## ۲- جلوه های ظهور حق در حکومت مهدوی

در روایات اسلامی، برای ظهور و قیام موعود آخر الزمان، حضرت مهدی علیه السلام آثار زیادی بر شمرده شده است؛ از جمله :

۱- ثروت ها به طور مساوی تقسیم می شود .

هنگامی که به واسطه ظهور امام زمان علیه السلام دنیا پر از عدالت شود، ثروت های جهان به طور مساوی تقسیم خواهند شد. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند :

وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را میان مردم پیاده می نماید(عقد الدرر، ص ۴۰)

۲- رضایت و خشنودی همگانی است .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

ساکنان آسمان، مردم زمین، پرندگان هوا، درندگان صحراها و ماهیان دریاها، همگی از او خشنود خواهند شد(الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲)

۳- فقر و بینوایی ریشه کن خواهد شد .

در پرتو عدالت حضرت بقیه الله علیه السلام عموم مردم بی نیاز خواهند شد. در حدیث آمده است :  
زمانی برای مردم پیش می آید که انسان، صدقات از طلا را با خود بر می دارد تا آن ها را در راه خدا انفاق کند، ولی نیازمندی را نمی یابد که این صدقه را بپذیرد(صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۳۶)

۴- همه مردم در امنیت به سر خواهند برد .

همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

دشمنی از دل ها زدوده می شود، درندگان و چارپایان با یکدیگر سازش می کنند، یک زن طبقی بر سر می گذارد از عراق تا شام (از شرق تا غرب) و تنها سفر می کند و همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می گذارد؛ در حالی که کسی او را نمی آزارد و دچار ترس و وحشت نمی شود(بشاره الاسلام، ص ۲۳۶)

۵- برکات آسمانی نازل می شود .

در حدیث آمده است :

زمین، چیزی از بذرهای خود را نگه نمی دارد، جز این که آن را بیرون می فرستد و آسمان چیزی از باران رحمتش را نگه نمی دارد، جز این که سیل آسا بر بندگان فرو می ریزد(المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۴)

۶- همگی در رفاه به سر می برند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

امت من در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ال شریف آن چنان متنعم می شوند که هرگز چنین بهره مند نشده اند(اعلام الوری، ص ۴۳۳)

۷- زمین، گنج های پنهان خود را آشکار می کند .

پیامبر اکرم 4 در این باره می فرماید :

آن زمان، چارپایان در امان هستند و درندگان با هم سازش می کنند؛ زمین پاره های جگرس را بیرون می ریزد... پاره های جگر زمین، ستون هایی از طلا و نقره است(المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۴)

۸- دام ها و چارپایان زیاد می شوند .

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده است :

مهدی خارج می شود. خداوند باران رحمتش را می فرستد. زمین گیاهش را می رویاند و دام در جهان زیاد می شود. او ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و امت اسلام، بزرگ و شکوهمند می شود(تاریخ الطور، ص ۷۷۴)

۹- رفع مزاحمت ها و ایجاد آسایش برای عموم مردم است .

امام باقر علیه السلام می فرماید :

مهدی، راه های اصلی را توسعه می دهد. بالکن هایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آزادی کرده است و ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد، از بین می برد(ارث، ص ۳۶۵)

۱۰- پرده های ظلمت کنار می رود .

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید :

وقتی قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش نورانی می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند. شب و روز یکی می شود و تاریکی از بین می رود(المحججه فیما نزل فی القائم الحججه، ص ۱۸۵)

۱۱- برادری و مواسات میان مسلمانان پدید خواهد آمد .

امام باقر علیه السلام فرمود :

هنگامی که قائم ما قیام کند، دوران برابری و برادری فرا می رسد. آن زمان یک مسلمان آنچه نیاز داشته باشد، از جیب برادر م سلمانش برمی دارد و او مانع نمی شود .(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲)

پرسشی ممکن است به ذهن بیاید که وسعت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چقدر است؟

مطابق برخی ادله، حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر کل کره زمین است؛ زیرا مطابق برخی آیات هدف از خلقت، رسیدن همه افراد بشر به عبودیت کامل در همه زمینه ها است. در برخی از آیات آمده است که حکومت حضرت تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت. مطابق برخی روایات که به حد تواتر رسیده است، حضرت مهدی همه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد .

در برخی روایات، گستردگی حکومت مهدی به حکومت ذوالقرنین تشبیه شده است؛ از جمله :

نعمانی به سندش از ابوحمزه ثمالی نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود :

خداوند، برای او [قائم آل محمد 4] روم و چین و ترک و دیلم و سند و هند و کابل شاه و خزر و... را فتح خواهد کرد (الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳)

مطابق برخی روایات، همه مردم روی زمین موحد شده، زمین آباد خواهد گشت (ینابیع الموده، ص ۵۰۸؛ موعود شناسی، ص ۶۵۵ - ۶۵۶)

از عهد جدید (کتاب مقدس مسیحیان) نیز استفاده می شود که حکومت مهدی 4 که از آن، به ملکوت آسمان ها یا ملکوت خداوند برای فرزندان شان تعبیر شده است، همه روی زمین را فرا خواهد گرفت. در انجیل لوقا آمده است :

در آینده، مردی از شرق و غرب و شمال و جنوب زمین آمده و بر سر سفره در ملکوت خواهد نشست (انجیل لوقا، ۱۳: ۲۹)

پرسشی دیگر: آیا امام مهدی 4 با اجبار اسلام را در جهان پیاده می کنند؟

پاسخ: از روایات چنین استفاده می شود که امام مهدی 4 ابتدا مردم را به سوی حق دعوت می کند و پیش از آغاز هر جنگی، به معرفی دین حق برای دشمنان می پردازد. آن حضرت، فرصت انتخاب میان حق و باطل را به آنان می دهد و فقط پس از اتمام حجت بر دشمنان، از قدرت شمشیر استفاده می کند؛ پس چون آن حضرت ابتدا اتمام حجت می کند و آنان با این که به حق واقف می شوند و از آن اطلاع می یابند از حق روی گردان می شوند، نمی توان گفت آن حضرت اسلام را با اجبار پیاده می کند، بلکه باید گفت پذیرش یا عدم پذیرش اسلام هر کس از روی رغبت و اختیار است؛ ولی پس از سوء اختیار و عدم پذیرش دعوت امام، از سوی لشکریان امام نابود می شود تا در جهان فتنه ای نماند.

امام باقر علیه السلام می فرماید :

حضرت مهدی 4 به سوی کوفه رهسپار می شود. آن جا شانزده هزار نفر مجهز به سلاح برابر او می ایستند. آنان، قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی هایشان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره هایشان در اثر شب زنده داری زرد شده است؛ اما نفاق سرا پایشان را پوشانده است. آنان یکصدا فریاد بر می آورند: «ای فرزند فاطمه! از همان راهی که آمده ای، باز گرد؛ زیرا به تو نیازی نداریم.» حضرت مهدی 4 پشت شهر نجف پس از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند. در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی شود (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۸۷)

طبق این حدیث، افرادی که مقابل حضرت مهدی 4 می ایستند، می دانند که او مهدی و فرزند فاطمه 3 است؛ ولی از پذیرش دین حق سر بر می تابند و بدین ترتیب، آگاهانه با آن حضرت مخالفت می کنند. حضرت نیز به جنگ با آنان می پردازد و آنان را قلع و قمع می کند. این جنگ، به این دلیل است که این اشخاص با این که حق را می شناسند، از آن پیروی نمی کنند و می خواهند مانع اجرای حق و عدالت در جامعه انسانی باشند. از آن جا که وجود چنین انسانی، مانع گسترش عدالت و موجب سلب اختیار و انتخاب صحیح سایر افراد جامعه می

شود، باید از میان بروند تا ریشه فساد و موانع شناخت حق از باطل نابود شود. از احادیث استفاده می شود که عملکرد حضرت یعنی رفتار قاطعانه و قدرت شمشیر می تواند یکی از عواملی باشد که در پیاده کردن اسلام در جهان نقش خواهد داشت. البته عوامل دیگر مانند آمادگی جهانی سلاح مدرن، سلاح علم، انتخاب کارگزاران لایق و... نیز نقش عمده ای خواهد داشت که به اختصار به ذکر هر کدام پرداخته می شود :

الف) برخورد جدی و قدرتمندانه با ستمگران

پس از ظهور، دیگر این گونه نخواهد بود که اولیای خدا مردمان را موعظه کنند و بسیاری از مردم گوش فرا ندهند و سرگرم جنایت و فساد باشند؛ به گونه ای که اولیا را بکشند و سنت های آنان را محو کنند.

امام باقر علیه السلام می فرماید :

ان رسول الله صلی الله علیه و آله سار فی امته بالیین کان یتألف الناس و القائم یسیر بالقتل... و لا یستتیب احداً...؛ (الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با امت خویش به نرمی و محبت رفتار می کرد؛ ولی قائم علیه السلام با کشتن با آنان برخورد می کند... و کسی را به توبه فرا نمی خواند .

ب) آمادگی جهانی

از روایات استفاده می شود که پیروزی امام زمان علیه السلام به آمادگی جهانی نیز بستگی دارد. وقتی جهان، برای حکومت جهانی حالت پذیرش پیدا کرد و انسان جنگ خواه، صلح طلب شد، پیروزی انقلاب حضرت مهدی علیه السلام تحقق می پذیرد. طبق برخی روایات، پیدایش این آمادگی جهانی بر اثر یک جنگ وحشتناک است. انسان جنگ زده، دنبال آب حیات صلح و آرامش می رود. امام صادق علیه السلام فرموده است : حکومت جهانی و رهبری واحد، تحقق نمی یابد مگر روزی که در یک جنگ ویران کننده دو سوم بشر نابود شوند (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۴)

ج) سلاح برتر و مدرن

در بعضی از روایات آمده است حضرت مهدی علیه السلام از سلاح برتر بهره مند است که جهان تسلیم او خواهد شد. سلاح ایمان و آلات مدرن جنگی نقش عظیمی دارد. (همان، ص ۳۲۱ و ۳۲۷)

د) سلاح علم و دانش

در بسیاری از احادیث، به این واقعیت اشاره می شود که امام زمان علیه السلام با قدرت علمی، اندیشه مغزها را متوجه خود می کند و جهان علم به او ایمان می آورند. امام صادق علیه السلام فرموده است : علم، بیست و هفت حرف است. آنچه پیامبران آورده اند، دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف ندانسته اند؛ پس موقعی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را میان مردم منتشر می کند و آن دو حرف را هم به آن ها ضمیمه می

نماید تا آن که بیست و هفت حرف خواهد شد (مهدی موعود؛ ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار، ص ۱۱۱۹)

#### ۵) کارگزاران و وزیران لایق

اداره سرزمین ها، در سایه رهبری الهی و کارگزاران لایق و دلسوز و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. امام عصر علیه السلام برای اداره جهان، استانداران و وزیرانی می گمارد که جز به مصلح اسلام و رضایت خدا به چیزی نمی اندیشند. طبیعی است که شوری که کارگزارانش از چنین خصوصیت برجسته ای برخوردار باشند، بر همه دشواری ها پیروز می شود؛ به گونه ای که زندگان، آرزو می کنند مردگان دوباره زنده شوند (احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۹۴)

#### و) ترکیب دولت حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، ترکیب دولت مهدی علیه السلام از پیامبران و جانشینان آنان و تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل شده است. برخی از آنان بدین گونه معرفی شده اند:

حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع و صی موسی علیهم السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی .

حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام می گوید: «من وزیر فرستاده شده ام؛ نه امیر و فرمانروا.» (نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۹۰)

#### ۴. اجرا و قضا در مدینه مهدوی

نامنی و ظلم، تجاوز و تعدی، آفات ویرانگر اجتماعی هستند که محصول بی عدالتی اند. در جامعه ای که حق مظلوم، باز ستانده نمی شود و صاحبان زر و زور مانعی بر سر راه کامجویی های خود نمی بینند، امنیت اجتماعی فراگیر، رؤیایی تعبیر ناشدنی است. آن هنگام که حکومت حق و عدل مهدوی پرچم می افرازد و سرود توحید می سراید و عدل و حق را می گستراند، اثری از ناامنی و ظلم و تجاوز نخواهد ماند، چرا که حق جویان امت نبوی که با آن وجود گرمی بیعت کرده و به برکت حضرتش از کمال عقل و روح استغنا برخوردار گردیده اند؛ هم عادلانه رفتار خواهند کرد و هم عدالت و امنیت مدینه مهدوی علیه السلام را پاس خواهند داشت:

«فمن بايعه و دخل معه و مسح على يده و دخل في عقد أصحابه كان آمناً.» (علل الشرايع،

ج ۱، ص ۹۱)

در عصر ظهور او، عدالت به شکل همه گیر اجرا می شود؛ به گونه ای که هیچ یک از شهروندان دولت جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امنیت و عدالت محروم نمی ماند. امام عصر علیه السلام اموال عمومی و امکانات حکومتی را بر اساس استحقاق شهروندان و مطابق قانون آسمانی، عادلانه تقسیم می کند .

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَانْهَ يَقْسِمُ بِالسُّوِيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ.» (همان، ج ۱، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹، ح ۳)

در روایت دیگری آمده است :

قوانین و احکام معطل اسلام را احیا می کند و احکامی را که زمینه اجرای آن ها فراهم نبوده است، مانند تعلق ارث بر اساس ایمان، به جایگاه اجرا خواهد گذارد (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲)

گویی برخی حدود و قوانین که همواره در تاریخ، به دلایل گوناگون تعطیل شده بود، دوباره احیا و اجرا می شود (کافی، ج ۳، ص ۵۰۳) گویا آن (امر جدید) که به نقل برخی روایات، امام عصر علیه السلام به آن دعوت می کند، مجموعه ای از بیان احکام واقعی برابر احکام ظاهری و احیا و اجرای احکام متروک و قوانین معطل مانده دین خدا است که چون آن حضرت بدان ها قیام می کند، برخی می پندارند دین جدیدی آورده است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است :

«إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى إِمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ إِنْ الْإِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.» (الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰)

گواه این مدعا، پاسخ امام صادق علیه السلام به پرسش عبدالله بن عطا است که از سیره حضرت ولی عصر علیه السلام پرسیده بود. آن حضرت، عمل به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، انهدام سنت های جاهلی و امور خرافی و عرضه اسلام به شکلی نو و جدید را شاخص های اساسی سیره آن حضرت معرفی فرمود. (همان، ص ۲۳۰) حضرت مهدی علیه السلام مأموریتی ویژه در اقامه عدل و احقاق حق مظلومان بر دوش دارد و بر همین اساس، متفاوت از اجداد و پدران گرامی اش که در منازعات قضایی بر اساس استناد به شهادت و قسم، به ظاهر حکم می کردند، او به واقع حکم می کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مَنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ يَعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا.» (کافی، ج ۱، ص ۳۹۸)

عصر ظهور و حاکمیت آخرین حجت الهی را می توان عصر عزت و سربلندی مظلومان و خواری و شکست نهایی ستمگران دانست که در آن، با هیچ ستمگری مسامحه یا مصالحه نمی کند و جز از در هدایت یا تسلیم آن ها از چیز دیگری سخن نمی گوید؛ لذا برابر معاندان حق ستیز که جز ظلم و جهل ثمر دیگری ندارند تیغ عدالت می کشد و در مقام مظهریت اسم منتقم الهی از آنان انتقام می کشد و مایه تشفی دل های رنج دیده و ستم کشیده مؤمنان می شود :

«وَ هُوَ الْحَجَّةُ الذِّي يَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.» (امام مهدی موجود موعود، ص ۲۶۵ و ۲۶۶ با تلخیص)

## پیام ها

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید با قاطعیت پیروزی نهایی حق را به مردم اعلام کند ((قُلْ جَاءَ الْحَقُّ)) (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۰۹)

۲- دین اسلام و راه پیامبر ﷺ حق است و هر جریانی به جز آن، باطل و نابود شوند ((قُلْ جَاءَ الْحَقُّ...)). (تفسیر راهنما، ج ۱۰، ص ۱۷۵)

۳- اضمحلال و نابودی باطل تنها در پرتو ظهور و به میدان آمدن حق میسر است (قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ) (همان)

۴- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل، دلیل و نشانه پیروزی قطعی جریان حق هنگام ظهور و بروز صحنه پیکار است (جَاءَ الْحَقُّ... الْبَاطِلُ زَهُوقًا) (همان)

۵- باطل، رفتنی و نابود شدنی است و حق، باقی و پایدار. (جَاءَ... زَهَقَ؛ فعل ماضی نشانه قطعی بودن است) (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۰۹)

### سی و سه. حکومت عدالت گستر مهدوی

وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (انفال (۸): ۷)

### نکات تفسیری

#### ۱- احقاق حق و قطع ظلم چگونه تحقق می یابد؟

احقاق حق، به وسیله محمد و آل محمد ﷺ تحقق می یابد و باطل، توسط امام عصر ﷺ ریشه کن خواهند شد. جابر می گوید از امام صادق در باره تفسیر آیه (يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ) سؤال کردم؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

در واقع، این کاری است که خدا اراده کرده؛ ولی هنوز جامه عمل نپوشیده است. اما قول خداوند (يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ) یعنی خداوند حق را به و سیله آل محمد محقق خواهد کرد. و قول خداوند (بِكَلِمَاتِهِ) در باطن، بکلماته علی علیه السلام است؛ زیرا در باطن، علی ﷺ کلمت الله است. اما قول خداوند «وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» آن ها بنی امیه هستند که کافرند و خداوند نسل آن ها را منقطع خواهد کرد و قول خداوند (لِيُحِقَّ الْحَقَّ) حق، آل محمد است زمانی که قائم ﷺ قیام کند. قول خداوند (وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ) یعنی قائم ﷺ زمانی که قیام کند، بنی امیه را باطل خواهد کرد و این گفتار خداوند است که می فرماید: (لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ) انفال (۸): ۸؛

[و این وعده را از این رو داد] تا حق را احقاق و باطل را ابطال کند هر چند مجرمان کراهت داشته باشند (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۰)

#### ۲- حکومت عدل مهدوی



از ویژگی حکومت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> که این آیه نیز به آن اشاره دارد، برپایی حق و حقیقت، به تمام و کمال و ریشه کنی ظلم و کفر است. (وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ) این معنا تنها زمان ظهور حضرت محقق خواهد شد؛ لذا حکومت جهانی امام عصر<sup>علیه السلام</sup> دارای ویژگی هایی است از جمله برقراری عدالت؛ هم چنان که روایات فراوانی صاحب منتخب الاثر می گوید: «۱۴۸ حدیث به این مضمون وارد شده است» به این مضمون آمده که صاحب الامر زمین را پر از عدل و داد می کند، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده است.

ابوسعید خدری از رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> روایت کرده که فرمود:

چون روزی فرا رسد که زمین پر از ظلم و ستم شود، خداوند، مردی از اهل بیت مرا ظاهر گرداند، تا جهان را پر از عدل و داد کند. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲)

در زیارت صاحب الامر می خوانیم «السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر». (مفاتیح الجنان، ص ۵۳۰) در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان<sup>علیه السلام</sup> هیچ ویژگی به اندازه «عدالت» و «قسط» روشنی ندارد. آن مقدار که در روایات بر ویژگی عدالت گستری آن حضرت تاکید شده، بر سایر مسائل چنین تأکیدی به کار نرفته است و این، نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور دارد. در ده ها و بلکه صدها روایت در کتاب های مختلف روایی از آن امام به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. دامنه عدالت حضرت تا دورترین نقاط و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد شد. حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند. خداوند، چنان بر این مهم تاکید دارد که اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، آن را چنان طولانی خواهد کرد تا رویای موعود مردمان از راه برسد. در سایه این عدالت، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند. حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ها باز می گردد، بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از گردن انسان ها باز می شود و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی بر چیده می شود. کارگزاران ظلم و بیداد مورد بازخواست قرار می گیرند، قاضیان و حاکمان کج رفتار، از مسؤولیت خویش عزل می شوند و زمین از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد. عدالت، چنان می شود که مردم آرزو می کنند ای کاش مردگان نشان بین زنده ها بودند و از عدالت بهره مند می شدند.

طبق برخی روایات، نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم آشکار می شود، این است که اعلام می کند کسانی که حج یا مناسک مستحب به جا می آورند و حجر الاسود را استلام می کنند و طواف مستحب انجام می دهند، فضا را به کسانی که طواف واجب دارند، واگذار کنند.

### ۳- ظلم ستیزی در حکومت مهدوی

از دیگر ویژگی های حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و لازمه برقراری حق و عدالت و ریشه کنی ظلم و کفر، ظلم ستیزی است. امام باقر علیه السلام در ذیل

آیه (وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً)؛ (توبه (۹): ۳۶) «و با همه مشرکین کارزار کنید همان طور که ایشان با همه شما سر جنگ دارند» می فرماید :

تأویل این آیه هنوز نیامده است. هرگاه که قائم ما بعد از ما قیام کند و کسی که او را درک کند و ببیند، تأویل این آیه خواهد بود. به هر جا که شب و روز به آن جا داخل شوند، این دین هم به آن جا می رسد، تا این که در هیچ جایی بر روی زمین، اثری از شرک باقی نمی ماند؛ همان طور که خداوند فرموده: (فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ) چنان شدند که جز خانه ها شان دیده نمی شود» و زمین به وسیله مهدی علیه السلام آباد و سرسبز می شود. نهرها جاری می شوند و فتنه ها و دزدی ها از بین می روند و خیر و برکت بسیار می گردد (ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۸) همچنین امام صادق علیه السلام فرمود :

یبایع المهدی بین الرکن و المقام فلا یوقظ نائماً و لا یهرق دماً؛ (ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۸)  
بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. هیچ خفته ای را بیدار نمی کند و خونی را [بی جهت] نمی ریزد .

#### ۴- صلح و آرامش در حکومت مهدوی

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام شرایط نا امنی بر جهان چیره است، یکی از بنیادی ترین اقدامات حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. حضرت مهدی علیه السلام با برنامه ریزی دقیقی که انجام می دهد، طی مدت کوتاهی امنیت را در همه زمینه ها به جامعه باز می گرداند و مردم در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است. راه ها به گونه ای امن می شود که زنان جوان، از جایی به جای دیگر بدون همراه داشتن محرمی سفر می کنند و از هرگونه تعرض و سوء نظر در امان هستند. (ملاحم ابن طاووس، ص ۶۹) مردم در امنیت کامل قضایی به سر می برند؛ به گونه ای که دیگر کسی از این که ممکن است حش پایمال شود کوچک ترین بیمی ندارد. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴) برنامه ها و قوانین به گونه ای طرح ریزی و اجرا می شود که مردم، خود را در امنیت کامل مالی و جانی می بینند. دزدی از جامعه رخت برمی بندد و امنیت مالی تا جایی فراگیر می شود که اگر کسی دست در جیب دیگری ببرد، هرگز احتمال دزدی داده نمی شود و کار او توجیه می گردد. نا امنی چنان جایش را به امنیت می دهد که حیوانات و جانداران را نیز در بر می گیرد؛ به گونه ای که گوسفند و گاو، کنار هم زندگی می کنند (ملاحم ابن طاووس، ص ۱۵۲) و کودکان، با مارها و عقرب ها بازی می کنند و آسیبی نمی بینند. شر و بدی از میان می رود و خیر و خوبی می ماند. مردم به اطاعت و عبادت رو می آورند و دین و آیین رونق می یابد. امانت ها رعایت می شود و درختان پرثمر می شود و برکت ها بسیار می گردد. اشرار به هلاکت می رسند، نیکان می مانند و از دشمنان اهل بیت کسی باقی نمی ماند (عقدالدرر، ص ۲۱۱)

مال و نعمت فراوان می شود؛ به طوری که همه بی نیاز می شوند. رسول خدا ﷺ فرمود :  
آن قدر خداوند به مردم مال می بخشد که اگر کسی بخواهد چیزی را به دیگری صدقه  
بدهد، او می گوید: «من به آن، احتیاجی ندارم.» (مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰)  
باز فرمود :

مردم به دنبال فردی هستند که مالی به او هدیه دهند و همچنین، زکات مال خود را جدا  
می کنند؛ ولی کسی را پیدا نمی کنند که به او بدهند؛ زیرا مردم به فضل الهی بی نیاز شده  
اند(الزام الناصب، ص ۲۳۰)

### پیام ها

۱. یادآوری امدادهای الهی، لازم و عامل تقویت ایمان است (وَ إِذْ) (تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۷۸)
۲. پیروزی، تنها با تعداد نفرات و تجهیزات جنگی نیست، عامل عمده، اراده خداوند است  
(یُرِيدُ اللَّهُ). (همان)
۳. هدف جهاد اسلامی، احقاق حق و انهدام باطل است، نه کشورگشایی و اشغال سرزمین  
(أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ). (همان)
۴. اراده الهی به تحقق یافتن حق و ریشه کن شدن کافران تعلق گرفته است (یُرِيدُ اللَّهُ أَنْ  
يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ)
۵. برکنده شدن ریشه های کفر از زمین، هدفی متعالی در بینش الهی است (یُرِيدُ اللَّهُ ...  
يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ)
۶. پیروزی نهایی، با عزت حق و ذلت باطل خواهد بود (یُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ ... وَيَقْطَعَ  
دَابِرَ الْكَافِرِينَ). (تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۷۸)
۷. گاهی اراده الهی، با دست مؤمنان انجام می شود (یُرِيدُ اللَّهُ). (همان)

### سی و چهار. انتقام خون سید الشهداء علیه السلام

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ  
فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (اسراء (۱۷): ۳۳)

### نکات تفسیری

#### ۱- مراد از قتل «به حق» چیست؟

آنچه قرآن کریم، حرام کرده قتل به ناحق است؛ اما گاهی بعضی از افراد در جامعه، حریم  
جامعه را نگاه نمی دارند و خون های بی گناهان را می ریزند. خداوند متعال برای حفظ حرمت  
انسان ها، قتل آن ها را جایز و در برخی موارد واجب می شمرد. در قرآن و همچنین روایات،  
برخی موارد آن معین شده است :

الف- مشرکان لجوج و کفار، بعد از اتمام حجت (توبه (۹): ۵).  
ب- کسانی که با مسلمانان مقاتله می کنند: (بقره (۲): ۱۹۱)  
ج- وارثان مقتول بی گناه، حق کشتن قاتل را به عنوان قصاص خون بی گناه دارند. (بقره (۲): ۱۷۹)

د- مفسدان فی الارض و کسانی که با خدا و پیامبر به محاربه برمی خیزند. مائده (۵): ۳۳.  
در احادیث نیز برخی از موارد «قتل به حق» بیان شده است. در حدیث معروفی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است:  
خون هیچ مسلمانی که به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر شهادت می دهد، حلال نیست مگر سه گروه: قاتل، زناکار همسر دار و آن کسی که دین خود را رها کند و از جماعت مسلمین بیرون رود (مرتد). (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۶۳)  
با دقت در مواردی که در قرآن و روایات آمده، معلوم مس شود حکم اجازه قتل یا وجوب قتل، برای منافع بشریت و جوامع انسانی و اسلامی است. اگر این احکام نباشد، جامعه به فساد کشیده می شود و خون ها پایمال شده و پایه های امنیت اجتماعی و دینی، متزلزل می گردد.

## ۲- ظهور حضرت مهدی ۴ و تأویل و تطبیق آیه

در روایات اهل البیت علیهم السلام یکی از مصدق مهم «ولی»، حضرت مهدی ۴ شمرده شده است که ولی دم جد بزرگوارش امام ﷺ است و انتقام آن حضرت را خواهد گرفت. پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

مراد از مقتول، حسین ﷺ است و ولی او قائم است و اسراف در قتل این است که غیر قاتلش را بکشد؛ (إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا) همانا او از دنیا نمی گذرد تا این که توسط مردی از آل رسول الله یاری شود که زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (کنز الدقائق، ج ۷، ص ۴۰۴)

می توان گفت: این روایات، به پیاده شدن کامل این آیه در روی زمین اشاره دارد که در زمان ظهور حضرت مهدی ۴، محقق خواهد شد. او هیچ گونه ظلمی نخواهد کرد و انتقام گیرنده حقیقی مظلومان از ظالمان خواهد بود و آنچه را که امام حسین علیه السلام برای آن به شهادت رسیده است، محقق خواهد ساخت.

## سی و پنج . امام زمان ۴ ، رفیق مهربان

وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ  
وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا<sup>۱</sup>

۱. سوره نساء، آیه ۶۹.

«و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان [در قیامت] با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، و اینان چه همدم‌های خوبی هستند.»

حذیفه بن یمان گفت: روزی بر رسول خدا ﷺ وارد شدم که آیه «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» نازل شد حضرت آن را بر من قرائت کرد. آن گاه گفتم: ای پیامبر خدا اینان کیانند؟ فرمود: ای حذیفه مراد از «نبیین» که خدا آنها را گرامی داشته است، من هستم؛ من اولین در نبوت و آخرین آنها در مبعوث شدن می باشم. منظور از «صدیقین» علی بن ابی طالب است. هنگامی که خدا مرا به رسالت مبعوث کرد او اولین تصدیق کننده من بود. مقصود از «شهدا» حمزه و جعفر، مراد از «صالحین» حسن و حسین دو آقای جوانان بهشت و منظور از «حسن و أولئک رفیقاً» مهدی در زمان [ظهورش] است. [شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۱۹۹]

### نکته‌ها:

۱. در سوره حمد، گروه (أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) مصداق ره‌پویان صراط مستقیم ذکر شده و این، بار دوم است که در کنار آیه صراط مستقیم، گروه (أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) مطرح شده است. گویا غیر از انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان، دیگران به بیراهه می‌روند و راه مسقیم، منحصرأ راه این چهار گروه است.

۲. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان‌اند. رفقای دنیایی را هم باید با همین خصلت‌ها گزینش کرد. (حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقاً)

۳. رسول اکرم ﷺ در تفسیر این آیه فرمود: «مِنَ النَّبِیِّیْنَ یَعْنِی مُحَمَّدٌ وَ مِنَ الصَّادِقِیْنَ یَعْنِی عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ مِنَ الشُّهَدَاءِ یَعْنِی حَمَزَةٌ وَ مِنَ الصَّالِحِیْنَ یَعْنِی الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقاً یَعْنِی الْقَائِمُ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ»<sup>۱</sup>.

۴. امام رضا علیه السلام در حدیثی مفصل در بیان ویژگی‌های امام فرمود: «الْإِمَامُ الْأَنْبِیُّ الرَّفِیقُ؛<sup>۲</sup> امام، همدم و رفیق واقعی است.»

۵. حضرت مهدی علیه السلام ما را دوست دارند و فرمودند: «همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ چراکه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو

<sup>۱</sup>. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۷.

<sup>۲</sup>. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

می‌آید و دشمنان، شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند»<sup>۱</sup>. حالا که امام زمان علیه السلام ما را فراموش نمی‌کنند، ما هم نباید ایشان را فراموش کنیم.

۶. پرسش: چگونه اراده خود را تقویت کنیم؟

پاسخ: یکی از کارهایی که باعث تقویت اراده می‌شود، آن است که با افرادی که اراده قوی دارند، رفیق شویم و بهترین رفیق، امام زمان علیه السلام است.

۷. پرسش: با چه کسی رفیق شویم؟

پاسخ: با کسی رفیق شوید که به شما انرژی و آینده‌نگری بدهد. در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حواریون به عیسی علیه السلام گفتند: یا روح‌الله! با که بنشینیم؟ فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش دانشتان را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند»<sup>۲</sup>.

۸. مرحوم حضرت آیت‌الله گلپایگانی تعریف می‌فرمودند: «وقتی که حضرت آیت‌الله حائری برای تأسیس حوزه به قم آمده بودند، وضع طلبه‌ها خوب نبود. طلبه سیدی که مشکل مالی داشت، برای گرفتن مبلغی پول به یکی از اعضای دفتر ایشان مراجعه کرد. آن شخص می‌گوید: شب در مدرسه فیضیه با آقای حاج میرزا مهدی بروجردی در حجره بودیم که به خواب رفته‌ام. خواب دیدم که شخصی محترم به حجره آمد و گفت: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: به شیخ عبدالکریم حائری بگویید مضطرب نباش که بر اثر گریه‌های امام زمان علیه السلام وجوهات شرعی به متوجه قم شد».

از خواب بیدار شدم و برای سفارش آن طلبه سید به خدمت آیت‌الله حائری رفتم. ایشان گفتند: «به مقسم بگویید شهریه را بپردازد. خواب شما صادقانه بود و وجوهی برای ما رسیده است». آن شخص می‌گفت: ایشان از خواب من مطلع بود، در حالی که من آن را برای کسی تعریف نکرده بودم»<sup>۳</sup>.

۹. پدر شیخ صدوق بچه‌دار نمی‌شد. نامه‌ای به محضر مبارک امام زمان ۴ نوشت تا حضرت در حقش دعا کند و نامه را به و سیله حسین بن روح به آن حضرت رساند. امام علیه السلام در حقش دعا کرد و در جواب نامه‌اش نوشت: «قد دعونا الله لک بذلک، و سترزق ولدین ذکربین خیرین»<sup>۴</sup>. پس از آن، به برکت دعای آن حضرت علیه السلام صاحب دو فرزند عالم و فقیه شد. یکی از آنها شیخ صدوق معروف به ابن بابویه است که قبرش نزدیک حرم حضرت عبدالعظیم می‌باشد.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

۳. عنایات حضرت مهدی ۴، ص ۱۰۳.

۴. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۱۰. یکی از علمای نجف می‌گوید: «شی‌ی در تاریکی شخصی را دیدم که داشت به طرف حرم امیر المؤمنین علیه السلام می‌رفت. به دنبالش رفتم. دیدم درهای حرم به رویش باز شد و او وارد شد و در مقابل ضریح ایستاد. سؤالاتی کرد و جواب شنید و بعد به طرف مسجد کوفه روانه شد و در مقابل محراب باز سؤالاتی کرد و جواب شنید و از مسجد بیرون آمد. جلو رفتم و دیدم مقدس اردبیلی است. سلام کردم و قضیه را جویا شدم. از من تعهد گرفت که تا زنده است آن ماجرا را فاش نکنم. بعد فرمود: وقتی بعضی از مسائل بر من مشتبه می‌شود، به نزد قبر حضرت امیر علیه السلام می‌آیم و از ایشان جواب می‌گیرم. امشب آقا مرا به فرزندش امام زمان 4 حواله فرمود که در محراب مسجد کوفه بود، رفتم و جوابم را گرفتم»<sup>۱</sup>.

۱۲. در مورد امام زمان علیه السلام آمده است که ایشان عامل تألیف دل‌هاست. «این مؤلف شامل الصلاح و الرضا»<sup>۲</sup>.

۱۳. اطاعت از رسول، پرتوی از اطاعت خدا و در طول آن است؛ پس با توحید منافاتی ندارد. (مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ)

## سی و شش . پایان مهلت ابلیس

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>۳</sup> گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!) فرمود: تو از مهلت یافتگانی! (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معینی علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به ابلیس تا روز قیام قائم ما مهلت داد؛ پس آنگاه که ایشان قیام نماید، ابلیس در مسجد کوفه مقابل حضرت زانو می‌زند و می‌گوید: وای بر من از امروز!»<sup>۴</sup>.

## نکته‌ها:

الف) باید از فرصت‌ها برای جبران خطاهای گذشته استفاده کرد نه برای لجاجت و پر کردن پیمانۀ گناه! دنیا و خوشی‌های آن، هرچه که باشد، بالاخره تمام می‌شود و روسیاهی برای ذغال می‌ماند.

۱. عنایات حضرت مهدی 4، ص ۵۸

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۳. حجر (۱۵)، ۳۶-۳۸.

۴. «عن وهب بن جميع مولى إسحاق بن عمار قال سألت أبا عبد الله عن قول إبليس: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» قال:..إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا فإذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة و جاء إبليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه فيقول: يا ويله من هذا اليوم» (تفسير عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲).

ب) شیطان، خدا را و ربوبیت خدا را قبول داشت: «**قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي**»، معاد را نیز پذیرفته بود: «**إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ**»؛ اما غرور و خودپسندی او سبب شد از توجه به حقیقت بازماند و از اطاعت و فرمانبرداری حق سرپیچی کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

شیطان به خداوند گفت: پروردگارا! قسم به عزّت اگر مرا از سجده به آدم معاف کنی، تو را طوری عبادت می کنم که تا به حال احدی این چنین عبادت نکرده باشد! حق تعالی فرمود: من دوست دارم آنگونه که خواسته ام اطاعت شوم (نه آنگونه که خود می خواهید).<sup>۱</sup>

به همین دلیل است که اگر کسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله راه ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام را نپذیرد و در راهی که خدا و رسول او تعیین کردند، قدم نگذارد: «مات میتة جاهلیه». هر چند شبها را به تهجد و روزها را به روزه و هر سال با پای پیاده حج گذارد و بین رکن و مقام شهید شود بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید؛ چرا که راه ابلیس را پیموده است.

ج) بی اعتنایی به وسوسه های شیطان و نه گفتن به خواسته های او و لیبیک گفتن به خواسته های خداوند، ارزش کار و درجه و مقام انسان را افزون می کند و به عبارت دیگر هر چه موانع بندگی خداوند و جاذبه های راه غیر خدا بیشتر باشد، ارزش و پاداش بندگی بیشتر خواهد بود.

د) درباره اینکه پایان یافتن مهلت ابلیس به چه مناسبت؟ آیا حضرت مهدی او را خواهد کشت! یا امر به گونه دیگری خواهد بود، نمی توان اظهار نظر قطعی کرد.

شاید بتوان گفت مراد این است که با ظهور حضرت، و رشد عقلی بشر و نابودی مستکبران، (اعوان و انصار ابلیس) بازار او کساد می شود و این مانند مرگ و عذاب برای او است؛ چنانچه در روایات آمده است که با بعثت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، شیطان از شدت ناراحتی نعره زد، همچنین با طولانی کردن سجده یا ازدواج به موقع نوجوان و... او فریاد و نعره می زند. دیدن عبودیت و بندگی خالصانه خداوند، آن هم در گستره جهانی، برای او کُشنده و ضجرآور است. والله العالم.

### سی و هفت . عدم شتابزدگی در طلب ظهور

(أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)<sup>۲</sup>

«فرمان [قهر] خدا آمد، پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و برتر از هر چیزی است که برای

او شریک می سازند.»

۱. عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «أَمْرُ إِبْلِيسَ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ فَقَالَ يَا رَبِّ وَعِزَّتِكَ إِنَّ أَعْقِبْتَنِي مِنَ السُّجُودِ لِأَدَمَ لَأَعْبُدَنَّكَ عِبَادَةً مَا عَبْدَكَ أَحَدٌ قَطُّ مِثْلَهَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ» (بحار، ج ۲، ص ۲۶۲).

۲. سوره نحل، آیه ۱.



## نکته‌ها:

۱. گرچه مورد آیه، عجله کفار برای نزول قهر خداوند است، اما جمله ( أَتَى أَمْرُ اللَّهِ ) اختصاصی به فرمان قهر الهی ندارد؛ بلکه شامل همه فرمان‌های خداوند، همچون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان (عج) و فرمان برپایی روز قیامت می‌شود و در همه این موارد، نباید عجله کرد.

۲. امام صادق (ع) در معنای این فرمایش خدای تعالی فرمود: «آن امر ما است که خدای عزوجل دستور فرموده است که در آن شتاب نشود تا [این که در وقت آن، خداوند] او را با سه [لشکر] که عبارت‌اند از فرشتگان، مؤمنان و «هراس‌انگیزی» پشتیبانی فرماید، و [شرایط و احوال] خروج او همانند خروج رسول خدا (ص) است.»<sup>۱</sup>

۳. فرمان‌های الهی، قطعی و وقوع قهر او، حتمی است. ( أَتَى ) فعل ماضی است؛ گویا می‌فرماید عذاب آمده است.

۴. خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند. ( أَتَى أَمْرُ اللَّهِ )

۵. در کار خدا عجله نکنید که کار او حکیمانه است و در وقت مناسب، آن را انجام می‌دهد. (فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)

۶. عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمانی واقع می‌شود؟» فرمود: «ای مهزم! وقت گذاران دروغ گفتند و عجله‌کنندگان هلاک شدند و تسلیم‌شوندگان نجات یافتند.»<sup>۲</sup>

۷- در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که آن حضرت پس از بیان بیعت جبرئیل علیه السلام با حضرت مهدی (عج) فرمود: «سپس جبرئیل یک پایش را بر کعبه و پای دیگرش را بر بیت المقدس می‌گذارد و با صدای فصیح و رسا، شیوا و شیرین ندا می‌دهد که همه خلائق می‌شنوند و می‌گویند: «ای امرالله فلا تستعجلوه»؛ فرمان خدا فرا رسیده است، برای آن عجله نکنید» [بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۶]

## سی و هشتم. غربال یاران

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۴۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا اللَّهَ كَمُ  
 مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ  
 وَ هَنَّاكُمُ الَّذِي كَانَتْ تَطَّلُوهُ سَپَاهِيَانِ رَأَى بَا خُودَ بِيرون برد، به آن‌ها گفت: «خداوند، شما را به وسیله  
 یک نهر آب، آزمایش می‌کند پس کسانی که از آن بنو شدند، از من نیستند و آن‌ها که جز یک  
 پیمان با دست خود بیشتر از آن نخورند، از من هستند. جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند.  
 سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوتۀ آزمایش سالم به در آمدند)  
 از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود ناراحت شدند و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله  
 با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم.» اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به  
 روز رستخیز ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه‌های  
 عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است.<sup>۱</sup>  
 امام صادق (علیه السلام): اصحاب طالوت به نهر (آبی) که خداوند می‌فرماید: «مَبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ» آزمایش  
 شدند و اصحاب حضرت قائم نیز به مثل آن آزمایش خواهند شد.<sup>۲</sup>  
 همچنین در حدیث دیگری از ایشان آمده است: حضرت قائم در کمتر از «فته» قیام نمی‌کند  
 و «فته» کمتر از ده هزار نفر نیست.<sup>۳</sup>

## نکته‌ها

**الف)** یکی از سنت‌های مهم الهی در این جهان، سنت ابتلاء و آزمایش است (عنکبوت: ۱)  
 تا آنجا که گاهی، ماهی دریا و صید بیابان مأمور امتحان بشر می‌شوند. (اعراف: ۱۶۳ و مائده: ۹۴).  
**ب)** یکی از سخت‌ترین ابتلائات، امتحان غیبت امام زمان (علیه السلام) است. امام صادق (علیه السلام) در این  
 باره می‌فرمایند:  
 «چاره‌ای نیست برای مردم از اینکه خالص شوند و (خوبان از بدان) جدا شوند و غربال شوند  
 و مردم زیادی از غربال (امتحان غیبت) خارج می‌شوند».<sup>۴</sup>  
**ج)** از مهم‌ترین ویژگی‌های یاران امام زمان (علیه السلام) اطاعت و فرمانبرداری از ایشان است و  
 برای رسیدن به این مرحله امتحانات سختی را باید پشت سر گذاشت تا مشخص گردد چه  
 کسانی لیاقت یاری حضرت را دارند؟

<sup>۱</sup> بقره (۲)، ۲۴۹.

<sup>۲</sup> «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - مَبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ وَ إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يُبْتَلَوْنَ بِمِثْلِ ذَلِكَ»؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۶، باب ۲۰، ح ۱۳).

<sup>۳</sup> «عَنْ حماد بن عثمان قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام) لا يخرج القائم (علیه السلام) في أقل من الفتنه - و لا يكون الفتنه أقل من عشرة آلاف»؛ (تفسیر عیاشی، ج ۱، ۱۳۴. حدیث دیگری نیز در این باره وجود دارد: بخاری، ج ۵، ص ۳۲۳).

<sup>۴</sup> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغْرَبَلُوا وَ يُسْتَخْرَجُ فِي الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، کتاب الحجّه، باب التمحيص و الامتحان، ح ۲) احادیث دیگر این باب نیز بسیار مهم است.

انسان می‌تواند با مدیریت غرائز و کنترل امیال و خواسته‌های نفسانی و سلمان گونه عمل کردن و ترجیح خواسته امام زمان بر خواسته خود<sup>۱</sup> بلکه پیشی گرفتن از یکدیگر در پی‌گیری نمودن خواسته‌های امام زمان<sup>۲</sup> به‌ویژه در زمانی که مسابقه رفاه و تجمل و چشم هم چشمی‌ها دین و ایمان را نابود ساخته است، لیاقت خود را برای یاری حضرتش ثابت نماید.

چنانچه حضرت رسول ﷺ فرمودند: «خوشا به حال کسی که قائم ما اهل بیت را درک کند (زمان ظهورش باشد)، در حالی که در دوران غیبت و پیش از ظهورش به او اقتدا کرده باشد»<sup>۳</sup>.

**د) سختی آزمون اطاعت از امام را به خوبی در ماجرای حضرت خضر (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام) می‌توان مشاهده کرد و دست‌آورد سفر معرفتی حضرت موسی (علیه السلام) را در جمله پایانی حضرت خضر (علیه السلام) می‌توان صید نمود، آنجا که فرمود: «و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم، این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آن‌ها شکیبایی به خرج دهی!»<sup>۴</sup> یعنی در برابر مأمور الهی باید تسلیم و فرمانبردار بود؛ زیرا او بر حق است و حق با اوست.<sup>۵</sup>**

**هـ) بر اساس روایات، حضرت قائم (علیه السلام) هنگام ظهور به کعبه تکیه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر مرد (اصحاب خاص) نزد او جمع می‌شوند و اولین سخنی که می‌فرماید، این آیه از قرآن کریم است که: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». سپس می‌فرماید: «منم بقیه الله در روی زمین و خلیفه خدا و حجتش بر شما، پس هیچ سلام کننده‌ای به او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»، پس وقتی «عقد» یعنی ده هزار نفر مرد نزد ایشان جمع شدند، (از مکه) خارج می‌شود»<sup>۶</sup>.**

۱ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ...: مَا تَدْرِي مَا كَثُرَتْ ذِكْرِي لَهُ قُلْتُ لَا قَالَ لِنَثَاتٍ خَلَالَ إِثَارِهِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ الثَّانِيَةَ حَبَّةَ الْفَقْرَاءِ وَ اخْتِيَارَهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعَدَدِ وَ الثَّلَاثَةَ حَبَّةَ لِلْعَلَمَاءِ»؛ (بحار، ج ۲۲، ص ۳۲۷).

۲ «... اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، الدَّابِّينَ عَنْهُ، الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ، الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ، الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ...»؛ (مفاتيح الجنان، فراهایی از دعای عهد).

۳ «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ»؛ (كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، ح ۲).

۴ «... وَ مَا فَعَلْتَهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا»؛ (كهف (۱۸)، ۸۲).

۵ «... فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُمْ لَا يَزَالُ بِهِمْ وَ لَا يَزَالُونَ»؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۷۲، باب ۴، ح ۸).

۶ «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ التَّقْفِي قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ يَقُولُ: «... فَإِذَا خَرَجَ أَسَدُ ظَهْرِهِ إِلَى الْكُمَيْةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ آيَةُ بَقِيَّتِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حَجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ أَلْفٍ رَجُلٍ خَرَجَ»؛ (كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).

